



Urban Ecological Research

ORIGINAL ARTICLE

Pathology of the Architecture of Established Nomadic Settlements with an Ecological Approach, Case Study: Zibamohammad Settlement of Khorramabad City

Moslem Beiranvand¹, Samar Haghighi Boroujeni^{2*}, Mohsen Afshari³, Sanaz Rahravi Poudeh⁴

¹ Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Esfahan, (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Esfahan, Iran.

² Assistant Professor, Department of Architecture, Esfahan, (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Esfahan, Iran.

³ Assistant Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Art University of Esfahan, Esfahan, Iran.

⁴ Assistant Professor, Department of Architecture, Esfahan, (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Esfahan, Iran

Correspondence

Samar Haghighi Boroujeni

mail:haghighi.samar@khuif.ac.ir

How to cite

Beiranvand, M., Haghighi Boroujeni, S., Afshari, M., Rahravi Poudeh, S. (2024). Pathology of the Architecture of Established Nomadic Settlements with an Ecological Approach, Case study: Zibamohammad Settlement of Khorramabad City. *Urban Ecological Research*, 14(4), 33-54.

ABSTRACT

Due to the history of nomadic life, Lorestan province has been the place of implementation of settlements for nomads. Despite the importance of this topic, unfortunately, these centers are affected by many challenges and the gap in conducting detailed and systematic studies in this field is significant. Therefore, the purpose of this research is to analyze the new pattern of housing construction in the studied nomadic settlement, with an ecological approach based on their way of life. The innovation of this research is that by emphasizing on ecology, it examines the damages that threaten these centers and helps designers and users to take necessary measures in future plans to eliminate the vulnerability of settlements of established nomads. This research has a qualitative nature with an ethnographic approach. Data were collected from documentary and field studies. In the field method, direct observation and semi-structured interview technique are used. The results of the research show that the new model of housing construction in the study center has many damages and anomalies such as social, cultural, economic, mental, psychological, spatial, physical, functional, image and landscape. Other characteristics include lack of attention to sensory richness, lack of attention to identity elements and the habits of the residents, the incompatibility of the built environment with the way of life of the residents, also the lack of feeling at home, the incompatibility of function-meaning, and the lack of attention to personal and social privacy.

KEY WORDS

Ecological, Settlement. Settlement of Nomads, Zibamohammad, Khorramabad.





نشریه علمی

پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری

«مقاله پژوهشی»

آسیب‌شناسی معماری سکونتگاه‌های عشایر اسکان یافته با رویکرد بوم‌گرایانه، پژوهش موردی: سکونتگاه زیبامحمد شهرستان خرم‌آباد

مسلم بیرانوند^۱، سمر حقیقی بروجنی^{۲*}، محسن افشاری^۳، ساناز رهروی پوده^۴

چکیده

استان لرستان به دلیل پیشینه زندگی عشایری، تاکنون محل اجرای سکونتگاه‌هایی برای اسکان عشایر بوده است. با وجود اهمیت این موضوع، متأسفانه این کانون‌ها تحت تأثیر چالش‌های فراوانی قرار دارند و خلأ مطالعات دقیق و نظام‌مند در این زمینه، قابل توجه است. از این‌رو هدف این پژوهش آسیب‌شناسی الگوی جدید ساخت‌وساز مسکن در سکونتگاه عشایری مورد پژوهش، با رویکردی بوم‌گرایانه و مبتنی بر شیوه زندگی آن‌ها است. نوآوری این پژوهش از آن جهت است که با تأکید بر بوم‌گرایی، آسیب‌هایی که این کانون‌ها را تهدید می‌کند، بررسی نموده و به طراحان و کاربران کمک می‌کند تا در طرح‌های آتی، برای رفع آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های عشایر اسکان یافته، اقدامات لازم را انجام دهند. این پژوهش دارای ماهیتی کیفی و با رویکرد قوم‌نگاری است. داده‌ها از مطالعات اسنادی و میدانی گردآوری شده‌اند. در روش میدانی از مشاهده مستقیم و تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده گردید. نتایج پژوهش بیانگر آن است که الگوی جدید ساخت‌وساز مسکن در کانون اسکان مورد مطالعه با آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روحی و روانی، فضایی و کالبدی، عملکردی، سیما و منظر، عدم توجه به غنای حسی، بی‌توجهی به عناصر هویت‌بخش، عدم توجه به عادت‌واره‌های ساکنان، عدم سازگاری محیط ساخته شده با روش زندگی ساکنان، عدم احساس در خانه بودن، عدم انطباق قابلیت - معنا و عدم توجه به حریم‌های فردی و اجتماعی، همراه بوده است.

واژه‌های کلیدی

بوم‌گرا، سکونتگاه، اسکان عشایر، زیبامحمد، خرم‌آباد.

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
^۲ استادیار، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
^۳ استادیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
^۴ استادیار، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول: سمر حقیقی بروجنی

رایانامه:

haghighi.samar@khuisf.ac.ir

استناد به این مقاله:

بیرانوند، مسلم؛ حقیقی بروجنی، سمر؛ افشاری، محسن و رهروی پوده، ساناز (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی معماری سکونتگاه‌های عشایر اسکان یافته با رویکرد بوم‌گرایانه، پژوهش موردی: سکونتگاه زیبامحمد شهرستان خرم‌آباد. فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۴(۴)، ۳۳-۵۴.

مقدمه

یکجانشینی و اسکان این اقوام موردنظر و اعمال قرار گرفته است (مهندسیین مشاور پرتو خط سوم، ۱۳۹۱: ۲۲). این اقدام منجر به ایجاد سکونتگاه‌هایی برای اسکان عشایر گردیده است. در این راستا استان لرستان محل اجرای چندین مورد از طرح‌های اسکان عشایر بوده است که در سنوات گذشته بنا به درخواست عشایر منطقه، با برنامه‌ریزی مدیریت امور عشایری، توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی لرستان طراحی و اجرا گردیده و عشایر هم‌اکنون در آن‌ها ساکن می‌باشند. سکونتگاه زیامحمد، نمونه‌ای از این کانون‌هاست که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است. متأسفانه این سکونتگاه‌ها تحت تأثیر چالش‌های فراوانی مانند پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری‌های لازم، عملیاتی نشدن مفاد و مفاهیم برنامه‌های اجرایی درباره کانون‌های اسکان عشایر، عدم جوابگویی به نیازهای ساکنین، فقدان کاربری‌های مختلف زندگی در کالبد فیزیکی واحدهای مسکونی، مشکلات و معضلات اقتصادی و محیطی و ... قرار دارد. این مسائل موجب شده است تا میزان رضایت ساکنین این کانون‌های اسکان از سکونت در این مکان‌ها به حداقل مقدار ممکن برسد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی لرستان، ۱۳۸۵).

با توجه به مواردی که بیان شد و سابقه طولانی زندگی عشایری در استان لرستان، افزایش روزافزون جمعیت عشایر اسکان‌یافته و اهمیت زیاد این موضوع، ضرورت انجام مطالعه‌ای دقیق و نظام‌مند، برای افزایش کیفیت خانه‌های جدید ساخته شده، برای عشایر اسکان‌یافته در منطقه مورد مطالعه، مشخص می‌گردد. اما متأسفانه سکونتگاه زیامحمد؛ بدون توجه به این امر مهم و در قالب طرح‌ها و نقشه‌های تیپ هستند که این امر موجب ظهور ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی در این سکونتگاه‌ها شده است. اگر این آسیب‌ها به‌درستی شناخته و رفع نشوند، می‌توانند موجب دگرگونی‌های جوهری و درون‌ذاتی و نیز تحولات ناخواسته اجتماعی فرهنگی، محیطی، اکولوژیکی و اقتصادی در این کانون‌ها شوند؛ از این‌رو این پژوهش باهدف کلی شناسایی آسیب‌ها و کاستی‌های الگوی جدید ساخت‌وساز در کانون مورد مطالعه و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این آسیب‌ها، از منظر بوم‌گرایانه انجام می‌شود. در این راستا، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال مهم است که چه آسیب‌هایی مانع رضایت ساکنان از کانون اسکان مورد مطالعه شده و عوامل و مؤلفه‌هایی که موجب ظهور این آسیب‌ها در قرارگاه‌های رفتاری و خصوصیات فضایی این کانون‌ها شده است، کدامند؟ در راستای دستیابی به اهداف پژوهش ابتدا به بازخوانی الگوهای سکونت عشایر کانون زیامحمد، پیش از اسکان پرداخته و سپس با

محیط زندگی افراد باید به‌گونه‌ای طراحی شود که نیازهای مختلف‌شان را برآورده کند و باعث افزایش رضایت و رفاه آن‌ها شود. در این راستا، باید به ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی توجه شود تا کیفیت محیط زندگی فردی و جامعه‌ای مطلوب گردد (شماعی و نازنین‌پوری، ۱۴۰۱: ۳۶)؛ بنابراین کیفیت مطلوب زندگی شهروندان و رضایت آنان از زندگی ره‌آوردی از کیفیت مطلوب محیط زندگی آن‌ها است. محیط زندگی می‌تواند جذاب و رضایت‌بخش باشد و زمینه را برای رشد فراهم آورد و یا برعکس دلگیر و ناسالم بوده و مانع تعالی انسان گردد (فصیحی، ۱۳۹۹: ۷۸). از این‌رو باید توجه نمود که کالبد مسکن یا سرپناه تنها به معنی یک سقف بالای سر نیست بلکه علاوه‌بر دارا بودن ویژگی‌های اولیه سرپناه، دارای کیفیت‌های فضایی معماری و کیفیت‌های محیطی برخاسته از بستر آن نیز هست (سرتیپی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۵). مسکن زمانی بهتر درک می‌شود که فراتر از پاسخی به کارکردهای آشکار و ظاهری بدان نظر شود. در نگاه جامع به انسان و مسکن و آگاهی از وجوه مختلف آن ابعاد مختلفی از کارکردهای متنوع اجزای مسکن روشن شده و در این حالت ایده‌ها، برنامه‌ها و پیشنهادهای جدید، عمق و وضوح بیشتری می‌یابند (زرگر و حاتمی خانقاهی، ۱۳۹۳: ۵۸). اما متأسفانه چندی بعدی بودن مسئله اسکان، فرصت کافی به طراحی مسکن و پرداختن به کیفیت زندگی در این سکونتگاه‌های نوظهور نداده و از این‌رو این سکونتگاه‌ها با آسیب‌ها و چالش‌های جدی مواجه هستند و اگر این کانون‌های اسکان عشایر آن‌چنان که شایسته است مورد توجه قرار نگیرد، به‌مرور زمان نقش و جایگاه خود را دست می‌دهند. بدیهی است این روند در آینده موجب مشکلات عدیده شده و حتی ممکن است منجر به تخلیه این منطقه گردد. با وجود انجام برخی پژوهش‌ها که به بررسی وضعیت کانون‌های اسکان از منظر زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، خدماتی و ... پرداخته‌اند. اما متأسفانه تاکنون پژوهشی دقیق و کامل در خصوص وضعیت و کیفیت سکونتگاه‌های عشایر اسکان‌یافته از منظر بوم‌گرایی انجام نشده است. این در حالی است که اگر کانون‌های اسکان بتوانند به‌درستی نیازهای عشایر اسکان‌یافته را تأمین نمایند؛ از ایجاد بخش زیادی از این مشکلات پیشگیری خواهد شد.

عشایر لرستان یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین قوم‌های ایرانی هستند که عمدتاً در غرب ایران و استان لرستان سکونت دارند و از سالیان دور تاکنون زندگی کوچ‌نشینی در آن رواج داشته است. اما در مقاطع مختلفی به دلایل سیاسی، امنیتی، رفاهی، خدماتی و ...

به‌طور کلی، اصل اساسی دیدگاه بوم‌گرایی در طراحی سکونتگاه‌های روستایی، استفاده بهینه از منابع محلی و محیط‌زیست است. با توجه به این دیدگاه، در طراحی سکونتگاه‌ها، عواملی مانند مبنای فرهنگی و ارزش‌ها، شرایط آب و هوایی، منابع طبیعی و کاربردهای قابل توجه در نظر گرفته می‌شود. به‌علاوه در این دیدگاه، رعایت اصول پایداری و صرفه‌جویی در مصرف انرژی و منابع، حفاظت از محیط‌زیست و بهبود کیفیت زندگی ساکنین نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌طور خلاصه، دیدگاه بوم‌گرایی در طراحی سکونتگاه‌ها، بهینه‌سازی استفاده از منابع محیطی، کاهش اثرات منفی بر محیط‌زیست و بهبود کیفیت زندگی ساکنین را در پی دارد.

به نظر می‌رسد، اسکان عشایر در ایران از آغاز، تاکنون با بهره‌گیری از ادبیات مکتب‌نوسازی، به‌عنوان یک سیاست و استراتژی ملی شکل‌گرفته (توکلی، ۱۳۸۴: ۴۴۹) و بیش‌تر باهدف عمران و توسعه جامعه یاد شده و فراهم‌سازی زیرساخت‌ها در راستای تسهیل و تسریع دسترسی عشایر به خدمات موردنیاز طراحی شده است (مه‌دوی و همکاران، ۱۳۸۸)؛ اما برخلاف برخی تلاش‌ها که تاکنون در این زمینه انجام شده است، نتایج پژوهش‌های انجام شده، نشان می‌دهد که برنامه‌های اسکان عشایر در ایران نیز چندان موفقیت‌آمیز نبوده و اجرای پروژه‌های اسکان عشایر در موارد بسیاری، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به جامعه عشایری وارد نموده است. شاید علت این مسئله را بتوان نگاه از بالا به پایین و بی‌توجهی متولیان امر اسکان عشایر به ویژگی و خصوصیات جامعه عشایری و الگوهای بوم‌گرایانه سکونتگاه‌های آن‌ها پیش از اسکان، در ارائه طرح‌های اسکان دانست (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی لرستان، ۱۳۸۵). توجه به رویکرد بوم‌گرایی در ایجاد کانون‌های اسکان می‌تواند بخش زیادی از آسیب‌های ناشی از اسکان عشایر را برطرف سازد.

توجه به بوم و رویکرد بوم‌گرایی در معماری و شهرسازی، با بحث راجع به اکولوژی پا گرفت که در رویکرد اکولوژیکی، شهر نوع جدیدی از محیط‌زیست است که به یک اکوسیستم واحد مربوط نمی‌شود، بلکه در حقیقت یک سیمای سرزمین مشخص است. در واقع سکونتگاه‌ها، برخلاف جوامع زیستی طبیعی یک اکوسیستم مصنوعی متشکل از طبیعت، اقتصاد و اجتماع هستند که توسط فعالیت‌های انسان ساخته شده‌اند و توسط دستگاه‌های طبیعی حمایت‌کننده، پایدار می‌مانند و با فرایندهای اکولوژیکی به حیات خود ادامه می‌دهند. به اعتقاد کروئن منطقه بوم‌شناختی عبارت است از محدوده‌های جغرافیایی اجتماع که برای اهداف گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرند (کروئن، ۱۳۷۱: ۲۱۰)، اما

بهره‌گیری از تحلیل سکونتگاه‌های عشایر پیش از اسکان به ارزیابی و آسیب‌شناسی سکونتگاه ساخته شده برای عشایر یک‌جانشین شده در کانون اسکان زیبا محمد پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

چارچوب نظری

با توجه به سابقه طولانی زندگی کوچ‌نشینی عشایر در کشورهای مختلف و تسریع روند اسکان آن‌ها از قرن بیستم، لازم است در ابتدا زمینه‌های نظری شکل‌گیری ایده و ادبیات نظری اسکان عشایر بررسی شود. پس از جنگ جهانی دوم با استقلال بسیاری از کشورهای در حال توسعه و شکل‌گیری دولت‌های ملی، یکی از اولین اهداف دولت‌ها و ایجاد وحدت سیاسی، هویت ملی واحد و توسعه کشور بوده است. در این راستا بسیاری از دولت‌های منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا، آفریقای جنوبی و ... که از حیث شرایط اکولوژیکی و وجود جوامع عشایری ویژگی‌های مشابه ایران داشته‌اند، استراتژی واحدی را در قبال این جوامع اتخاذ کردند که همان اسکان آن‌ها بوده است. دیدگاه بوم‌گرایی در معماری، سعی در احیاء و تقویت هویت‌ها و فرهنگ‌های محلی است (رنجبران و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۲۵). برای بومیان محلی، سکونتگاه عشایری، به‌عنوان بخشی از فرهنگ و هویت آن‌ها محسوب و بوم‌گرایانه شناخته می‌شود. بوم‌گرایانه‌ها در طراحی ساختمان‌ها و سکونتگاه‌ها، با بررسی و تحلیل ویژگی‌های فرهنگی و محیطی محل سکونت، سعی در بازسازی و طراحی با الهام از معماری قدیمی و محلی دارند. آن‌ها با توجه به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و محیطی مردم بومی، ساختمان‌ها و سکونتگاه‌هایی را طراحی می‌کنند که هماهنگ با محیط‌زیست و فرهنگ محلی باشند. بنابراین بوم‌گرایانه‌ها از منظر معماری، سعی در آمیختن معماری محلی با نیازهای کنونی جامعه دارند و به دنبال حفظ زیبایی و شناخت هویت محلی هستند. در نتیجه سکونتگاه‌های عشایر اسکان‌یافته، برای بوم‌گرایانه‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند و همیشه در طراحی‌های آن‌ها مدنظر هستند. در این رابطه بهره‌گیری از مکاتب، نظریات و راهبردهای گوناگون توسعه در تغذیه فکری نظام برنامه‌ریزی این کشورها در تدوین استراتژی توسعه جوامع عشایری مؤثر بوده است. نتایج بررسی‌های صورت گرفته در مورد پروژه‌های متعدد اسکان عشایر داخل کشور و خارج کشور نشان‌دهنده چهار رویکرد کلی نسبت به اسکان عشایر است. این چهار رویکرد عبارت‌اند از: مکتب‌نوسازی، مکتب‌وابستگی، راهبرد زیست‌محیطی و راهبرد توسعه پایدار (توکلی، ۱۳۸۴: ۴۴۸).

پژوهش‌هایی که تاکنون در خصوص جوامع عشایری اسکان‌یافته انجام شده‌اند، با توجه به مشکلات عدیده جوامع کوچ‌رو، به بررسی ضرورت و الزام در اجرای طرح‌های سامان‌دهی و اسکان عشایر پرداخته‌اند عبارت‌اند از: (نوربخش، ۱۳۷۵)، (احمدی، ۱۳۷۹)؛ (حیاطی، ۱۳۸۵)؛ (نیک خلق و نوری، ۱۳۸۶)؛ (باژیان، ۱۳۸۶)؛ (جهانگیری و مرادی، ۱۳۸۸)؛ (شکور و رضایی، ۱۳۸۹)؛ (Upton, 2010)؛ (نصیری و همکاران، ۱۳۹۱)؛ (رهای و همکاران، ۱۳۹۱)؛ (ابراهیمی اصل و همکاران، ۱۳۹۴)؛ (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ (ضیائیان و همکاران، ۱۳۹۵)؛ (فلاح تبار، ۱۳۹۵)؛ (Jiao et al., 2017). نتایج این پژوهش‌ها بر اسکان برنامه‌ریزی شده عشایر به‌طور جدی و گسترده تأکید دارند.

برخی پژوهش‌ها نیز ابعاد مختلف اسکان عشایر و تبعات و پیامدهای آن را از منظرهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی مورد پژوهش قرار داده‌اند. این پژوهش‌ها را در ۴ گروه می‌توان دسته‌بندی نمود که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته شده است.

گروه اول پژوهش‌هایی که پدیده اسکان عشایر را از منظر اقتصادی مورد بحث قرار داده‌اند (کریمی، ۱۳۷۵)؛ (سلطانی و همکار، ۱۳۷۸)؛ (اهلرس، ۱۳۸۰)؛ (کنیل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۱)؛ (حبیبیان، ۱۳۸۲)؛ (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲ الف). یافته‌های این پژوهش‌ها بیانگر آن است که پروژه‌های اسکان عشایر، بهره‌برداری از دام را ضعیف و کمبود زمین‌های کشاورزی و بحران را در محدوده‌های مورد مطالعه، به حداکثر رسانده است. به همین علت سطح تولید محصولات کشاورزی و دامی عشایر کاهش یافته و از تعداد دام عشایر پس از اسکان کاسته شده است. همچنین فقدان فضای کافی در منازل تولید قالی و قالیچه و سایر صنایع دستی را - که بخش مهمی از اقتصاد خانوار عشایری به‌شمار می‌رود- با کاهش مواجه کرده است. از این رو اسکان بر منابع درآمدی آن‌ها تأثیر منفی داشته و اسکان در اغلب موارد به فقر خانوارها انجامیده و در این شرایط خانواده‌ها بی‌صبرانه منتظر روزی هستند که مجدداً حق کوچ را به دست آورده و با فروش زمین و تهیه دام لازم به کوچ روی بپردازند. گروه دوم پژوهش‌هایی هستند که تأثیرات اجتماعی اسکان عشایر را مورد مطالعه قرار داده‌اند (حاجتی، ۱۳۷۱)؛ (نیک خلق، ۱۳۸۳)؛ (حیاتی، ۱۳۸۵)؛ (احمدی و یوسفی، ۱۳۸۷)؛ (Twaissi et al., 2016). این پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارند که اسکان عشایر، بدون توجه به ویژگی‌های اجتماعی و سایر شرایط خانوارهای عشایری اجرا شده‌اند و هیچگاه شرایط بنیادی بوم‌شناختی و همچنین نیازها و ضرورت‌های خاص جامعه عشایری مورد توجه لازم قرار نگرفته است. همچنین احساس بیگانگی، کاهش نقش اجتماعی زنان، بالا رفتن سن ازدواج، تعارض بین والدین و فرزندان و

متأسفانه آنچه در کانون‌های اسکان عشایر مشاهده می‌شود این است که در این سکونتگاه‌ها به مسکن تنها به‌عنوان پدیده‌ای فیزیکی نگریسته شده و سیاست‌ها برای تأمین مسکن ساکنان آن، تنها با محوریت رعایت برخی استانداردهای ساخت‌وساز و شیوه استفاده از مصالح خلاصه شده است. در واقع در کانون‌های اسکان تنها ابتدایی‌ترین رسالت یک ساختمان به‌عنوان پناهگاه در دستور کار قرار گرفته و سایر جوانب مختلف اجتماعی، فرهنگی و هویتی و ... مورد توجه قرار نگرفته است. این مسئله موجب ظهور آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فراوانی در این سکونتگاه شده است. بنابراین در این پژوهش تلاش خواهد شد بر مبنای ویژگی‌های شناخته شده زندگی عشایر و بازتاب‌های آن در سکونتگاه‌های عشایر، الگوهای مسکن عشایر پیش از اسکان و مسکن دائم عشایر اسکان‌یافته در کانون اسکان مورد مطالعه به‌دقت بازخوانی شود؛ تا شناخت دقیقی نسبت به آسیب‌های ناشی از طراحی و ساخت نامناسب سکونتگاه‌های فعلی عشایر اسکان‌یافته از منظر الگوهای بوم‌گرایانه، به دست آید. دستاوردهای این پژوهش می‌تواند در برنامه‌ریزی معمارانه برای طراحی محیط‌ها و کانون‌های اسکان عشایری استفاده گردد.

پیشینه پژوهش

بدون شک کنجکاوای درباره زندگی کوچ‌نشینانی سابقه‌ای کهن دارد، اما بررسی این پدیده به روش علمی نسبتاً نو است و در اوایل قرن بیستم هم‌زمان با گسترش هرچه بیشتر نفوذ غرب در کشورهای در حال توسعه، اطلاعات بیش‌تری در مورد کوچ‌نشینان ایران تهیه شده و در دو دهه اخیر، تحقیقاتی هر چند اندک در این باره انجام شده است و برخلاف آغاز اسکان عشایر در ایران از سال ۱۳۱۰ تاکنون یکی از مسائل و مشکلات موجود، در ارتباط با تدوین استراتژی‌های مناسب برای ساماندهی و اسکان عشایر، ضعف پژوهش‌های نظری و نیز فقدان بررسی‌های کافی در مورد تجارب و پیامدهای اسکان و میزان رضایت‌مندی عشایر اسکان‌یافته از کانون‌های اسکان می‌باشد که پیامدهای منفی آن در بسیاری موارد غیرقابل‌جبران است (توکلی، ۱۳۸۴: ۴۴۲). بررسی مطالعات انجام شده درباره اسکان عشایر کوچنده در نقاط مختلف ایران جهت ارزشیابی پیامدهای آن در ابعاد گوناگون، می‌تواند نقش مؤثری جهت اتخاذ استراتژی‌های مناسب، اعمال روش‌های برنامه‌ریزی اصولی و شیوه‌های اجرای صحیح در این زمینه داشته باشد. به عبارت دیگر این بررسی بازخورد موردنیاز را برای سیستم تدوین استراتژی و برنامه‌ریزی توسعه عشایر فراهم می‌آورد که براساس آن می‌توان با آسیب‌شناسی وضعیت موجود، به حذف یا اصلاح رویه‌های فعلی نظر داد. بنابراین در ادامه به بررسی برخی از پژوهش‌هایی که تاکنون در رابطه با موضوع پژوهش انجام شده‌اند، پرداخته می‌شود. تعدادی از

(۱۳۸۲)؛ (Larsen, 2003)؛ (دوپلانول، ۱۳۸۳)؛ (توکلی، ۱۳۸۴)؛ (Gomes, 2007)؛ (DEDE, 2011)؛ (امینی و روز فراخ، ۱۳۹۷)؛ (Barimani, et al., 2018)؛ (ازکیا، ۱۳۹۶)؛ (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ (ذاکری و همکاران، ۱۳۹۶)؛ (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶)؛ (رحیمی و مشیری، ۱۳۸۸)؛ (رضوانی و دریکوند، ۱۳۸۶)؛ (امان الهی بهاروند، ۱۳۸۸)؛ (دهقانی، ۱۳۹۸)؛ (Karakal, 2021)؛ (Adano & Karenwitsenburg, 2022). نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نبود زیرساخت‌های مناسب برای سکونت‌پذیری از قبیل راه‌های ارتباطی، برق، آب و امکانات، پیش‌بینی نکردن فضای کافی برای دام عشایر، فقدان مراتع کافی برای چرای دام در محل جدید، غیر شارکتی بودن فرایند مکان‌یابی کانون‌های اسکان، کاهش درآمد عشایر پس از اسکان از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت پروژه‌های اسکان عشایر به شمار می‌روند.

- دسته دوم، نشان‌دهنده موفقیت برنامه‌های اسکان عشایر و رضایت نسبی عشایر از برنامه‌های اسکان هستند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸)؛ (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱)؛ (ریاحی و کریمی، ۱۳۹۲)؛ (آزادی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ (جلیلی تلچگاه و طالبی، ۱۳۹۰)؛ (شهرکی و عابدی سروستانی، ۱۳۹۱)؛ (شاطری و صادقی، ۱۳۹۱)؛ (Golik, 2021). این پژوهش‌ها اغلب زیرساخت‌های عمرانی کانون‌ها، سطح دسترسی عشایر اسکان‌یافته به خدمات عمومی و ارتقاء وضعیت تحصیلی پس از اسکان را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با مشارکت عشایر در اجرای طرح‌های اسکان کانون‌های مورد مطالعه و مکان‌یابی سایت‌های اسکان در حد قابل‌قبولی بوده و در خصوص دسترسی به برخی از خدمات، انتظارات آن‌ها برآورده شده است.

- دسته سوم از پژوهش‌ها بیانگر موفقیت پروژه‌های اسکان در برخی زمینه‌ها و عدم موفقیت در دست‌یابی به دیگر اهداف می‌باشند (ی. سو، ۱۳۸۰)؛ (دریکوند، ۱۳۸۶)؛ (کریمی و کرمی دهردی، ۱۳۹۴)؛ (نوروزی و محمودیان، ۱۳۹۵)؛ (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۱)؛ (شاطری و حاجی پور، ۱۳۹۰)؛ (توکلی و ضیاتوانا، ۱۳۸۸). نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افزایش دسترسی عشایر به امکانات رفاهی و تسهیلات نوین زندگی در برخی موارد باعث رضایت نسبی عشایر اسکان‌یافته شده است اما برخی عوامل مانند نبود زمین‌های کشاورزی در کانون‌های اسکان، کاهش تعداد دام و در پی آن کاهش محصولات دامی، کاهش درآمد عشایر پس از اسکان و عدم اشتغال پایدار، موجب نارضایتی آن‌ها است.

در مجموع نتایج مطالعات متعدد نشان‌دهنده آن است که اجرای سیاست‌های اسکان عشایر، بدون انجام مطالعات اولیه، نه تنها به

افزایش جرائم بین آن‌ها برخی از تبعات اجتماعی اسکان عشایر بدون برنامه‌ریزی مناسب هستند که در این پژوهش‌ها مورد بحث قرار گرفته‌اند.

گروه سوم از پژوهش‌ها نیز به بررسی تغییرات فرهنگی ناشی از جایگزینی اسکان به‌جای کوچ پرداخته‌اند (Vassa, 2001)؛ (قربانی ریگ و رفیع‌فر، ۱۳۸۶)؛ (Dariel, 2014)؛ (Kestin van den Scott, 2015)؛ (Kohler, 2016). این پژوهش‌ها تفاوت‌های فرهنگی عشایر کوچ‌رو و یکجانشین را مورد ارزیابی قرار داده و تأکید می‌کنند که عشایر اسکان‌یافته، برخلاف گذشت سال‌های طولانی از اسکان، برای حفظ هویت فرهنگی خود، با ترکیب سنتی و جدید تلاش نموده و پیکربندی‌های فرهنگی خود را در کانون‌های اسکان بازتولید می‌کنند.

با توجه به تأثیرات زیست‌محیطی اسکان عشایر بر محیط اطراف کانون‌های اسکان، گروه چهارم از پژوهش‌ها این موضوع مهم را مورد ارزیابی قرار داده‌اند (افضلی، ۱۳۷۸)؛ (قنبری و راستی، ۱۳۸۱)؛ (ضیا توانا و توکلی، ۱۳۸۶)؛ (Hirofumi et al., 2007)؛ (Fan et al., 2014). نتایج این پژوهش‌ها بیان‌گر تأثیرات منفی اسکان عشایر بر سیستم‌های زیست‌محیطی کانون‌های اسکان در مقیاس‌های مختلف هستند. نتایج این پژوهش‌ها بیانگر عدم برنامه‌ریزی مناسب برای مدیریت مراتع اطراف کانون‌های اسکان و تشدید تخریب مراتع پیرامون سکونتگاه‌ها است به طوری که وضعیت معیشتی بهره‌برداران دچار بحران شده و سطح زندگی و معیشت آن‌ها کاهش یافته است. زیرا تنها نقاط معدودی دارای منابع طبیعی مناسب و کافی برای یکجانشینی و فعالیت کشاورزی و دامداری پایدار است. در پروژه‌های دولتی مکان‌هایی برای اسکان انتخاب شده‌اند که عملاً با شرایط زندگی کوچندگان سازگاری ندارند.

همچنین با عنایت به افزایش جمعیت خانوارهای عشایری اسکان‌یافته در مناطق مختلف کشور، ارزیابی نتایج حاصل از پدیده اسکان، گروهی از پژوهشگران را بر آن داشته است تا پدیده اسکان را از منظر میزان موفقیت و کسب رضایت‌مندی عشایر اسکان‌یافته، مورد ارزیابی قرار دهند. این پژوهش‌ها را نیز می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد:

- بررسی‌های صورت گرفته در دسته اول نشان‌دهنده آن است که متأسفانه پروژه‌های متعدد اسکان عشایر به علت عدم بررسی اولیه مناسب قبیل از اسکان و مشکلات به‌وجود آمده پس از اسکان با موفقیت همراه نبوده است و عشایر از سکونت در کانون‌های اسکان، رضایت ندارند (حسینی ابری، ۱۳۷۳)؛ (سعیدی و همکاران، ۱۳۷۳)؛ (خوینگر برآبادی، ۱۳۷۵)؛ (مهندسان مشاور D.H.V هلند، ۱۳۷۵)؛ (ابراهیم‌پور و همکاران، ۱۳۷۸)؛ (Khogali, 2001)؛ (باقری،

رویکردی ترکیبی؛ (۱) قوم‌نگاری جامعه مورد مطالعه به‌علاوه، (۲) مطالعه خصوصیات فضایی و قرارگاه‌های رفتاری مسکن عشایر کوچ‌رو و اسکان‌یافته استفاده خواهد شد. این امر مستلزم حضور فعال نگارنده در کانون‌های اسکان عشایری مورد مطالعه، به‌عنوان میدان تحقیق است. در این رویکرد، برای آسیب‌شناسی سکونتگاه‌های عشایر منطقه زیامحمد پیش از اسکان و پس از اسکان و همچنین قرارگاه‌های رفتاری و خصوصیات فضایی مسکن آن‌ها با استفاده از ابزارهای متنوع، در شرایط طبیعی بررسی شد. در این پژوهش، بنابر نیازها و ضرورت تحقیق، علاوه بر مشاهده، از مصاحبه‌های باز و نیمه ساختاریافته شامل ۳۲ نفر از ساکنین و ابزارهای دیگری مانند داده‌های اسنادی، بانک‌های اطلاعات رایانه‌ای و سایت‌های اینترنتی شامل: اطلاعات موجود در بانک اطلاعات رایانه‌ای اداره کل امور عشایر لرستان، برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

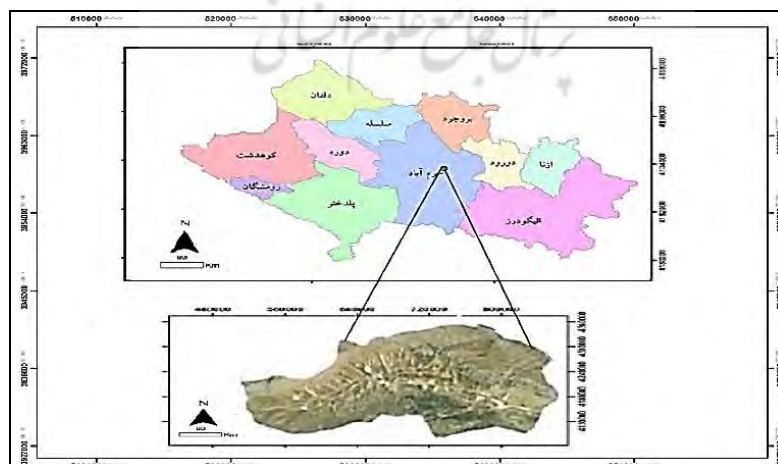
محدوده مورد مطالعه

طرح اسکان عشایر به شکل برنامه‌ریزی شده در طول سال‌های گذشته در چندین کانون اسکان، توسط اداره امور عشایری استان لرستان اجرایی شده است. از جمله این طرح‌ها می‌توان طرح اسکان عشایر در کانون اسکان زیامحمد را برشمرد. همان‌گونه که در شکل ۱، مشاهده می‌شود، این کانون اسکان در محدوده حاشیه شمال شرقی خرم‌آباد بین ۴۸ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی و بین ۳۳ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمال واقع شده است و در ارتفاع ۱۷۸۰ متر از سطح دریا قرار دارد (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، آدرس آماری ۱۵۰۳۰۵۰۰۲).

توسعه این بخش از جامعه منجر نخواهد شد، بلکه پیامدهای منفی زیادی در بر خواهد داشت که صدمات جبران‌ناپذیری نیز به دنبال دارد. بنابراین با بررسی سوابق مطالعات انجام شده در حوزه جوامع عشایری و اسکان آن‌ها مشخص می‌گردد، پژوهش‌هایی که تاکنون در این حوزه انجام شده‌اند، اغلب به بررسی سوابق تاریخی، وضعیت زندگی جامعه عشایری و اسکان آن‌ها از منظرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، زیرساخت‌های عمرانی کانون‌ها و سطح دسترسی عشایر اسکان‌یافته به خدمات عمومی مبادرت ورزیده‌اند و در زمینه سوابق مرتبط با پژوهش حاضر با موضوع آسیب‌شناسی و ارزیابی بوم‌گرایانه سکونتگاه‌های عشایر اسکان‌یافته، مبتنی بر شیوه زندگی آن‌ها، تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی انجام نگرفته و خلأ مطالعاتی در این زمینه مشهود است. از سوی دیگر، با عنایت به نتایج بررسی‌های آماری در سطح کشور که حکایت از حرکت و قدم گذاشتن سازمان متولی عشایر کشور به سمت توسعه طرح‌های اسکان دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹) در این میان ضرورت آسیب‌شناسی کانون‌های اسکان عشایری برای ارائه الگوهایی برای پیاده‌سازی صحیح و اصولی طرح‌های اسکان که بازگوکننده ویژگی‌های منحصر به فرد این نهاد باشد، بیش از پیش احساس می‌شود. از این رو ضروری است با عنایت به درصد بالای جمعیت خانوارهای عشایری که تمایل به اسکان دارند و خلأ مطالعات کاربردی در این خصوص، پژوهشی جامع صورت گیرد.

روش انجام پژوهش

در این پژوهش نوع روش تحقیق، با توجه به ماهیت اکتشافی آن، یک تحقیق کیفی و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. به‌منظور دستیابی به شناخت کامل از جامعه مورد مطالعه، در این پژوهش از



شکل ۱. محدوده مورد مطالعه و موقعیت کانون اسکان زیامحمد

مأخذ: اداره کل امور عشایر لرستان، ۱۳۸۸: ۳

یافته‌ها

آمار توصیفی

جمعیت ساکن در کانون اسکان زیبامحمد تا پایان سال ۱۴۰۱، شامل ۷۸ نفر، شامل ۱۲ خانوار و با بعد خانوار متوسط ۶/۵ است که به دودسته تقسیم می‌شوند: الف) خانوارهای عشایری که تعداد آن‌ها ۴ خانوار است و حدود شش ماه در سال (فروردین تا مهرماه) در حوزه سکونت دارند و جمعیت آن‌ها ۳۰ نفر و دارای بعد خانوار ۷/۵ است.

ب- خانوار ساکن در کانون اسکان زیبامحمد که به‌طور دائم در این حوزه سکونت دارند، شامل ۸ خانوار و ۴۸ نفر است. بعد خانوار این گروه ۶ نفر است. از نظر ساختار ایلی ساکنان این کانون جزء طایفه موسوی هستند و از بین تیره‌های طایفه سادات موسوی، تیره قاسمی در محدوده مورد مطالعه سکونت دارند.

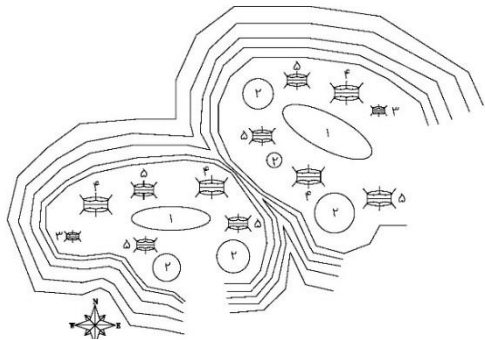
بازخوانی و تحلیل سکونتگاه‌های عشایر کوچ‌رو منطقه زیبامحمد پیش از اسکان

در این بخش از پژوهش برای شناخت بهتر ویژگی‌های بوم‌گرایانه سکونتگاه زیبامحمد، ابتدا به بازخوانی و تحلیل سکونتگاه‌های آن‌ها، پیش از اسکان پرداخته می‌شود. در ادامه پس از بازخوانی و تحلیل سکونتگاه‌های عشایر اسکان‌یافته در کانون اسکان مورد مطالعه، آسیب‌ها و کاستی‌های الگوی جدید ساخت‌وساز در این کانون اسکان و همچنین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این آسیب‌ها از منظر بوم‌گرایانه، در ۱۲ مقوله کلان دسته‌بندی شده و مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. کوچندگی از پدیده‌های عمده جغرافیای فرهنگی و مردم‌شناسی است که از رابطه انسان با محیط نشأت گرفته و ساده‌ترین نوع زندگی انسان در طبیعت به شمار می‌رود. این شیوه زندگی، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی پیچیده‌ای را در بر دارد که بر الگوی سکونت آن‌ها، نظام استقرار فضایی سکونتگاه‌های شان و نیز الگوهای رفتاری جاری در آن‌ها تأثیرگذار است (حیدری، ۱۳۹۹: ۷۴). خانوارهای عشایر مورد مطالعه، پیش از اسکان در سیاه‌چادرها اقامت داشته‌اند. این سیاه‌چادرها در اصطلاح محلی «دو وار» نامیده می‌شوند. خصوصیات فضایی و کالبدی در سکونتگاه عشایر کوچ‌رو منطقه زیبامحمد، بر مبنای خصوصیات همچون قرارگاه‌های رفتاری، فواصل و حریم‌های میان مجموعه چادرها و شبکه ارتباطی بین آن‌ها و تفکیک عملکردی بخش سکونت انسان و دام شکل گرفته است (شکل‌های ۲ و ۳).

در واقع سیاه‌چادر عشایر به‌نوعی یک فضای نیمه‌باز است که از سه طرف بسته و از یک طرف باز می‌باشد. معمولاً

جهت‌گیری این سیاه‌چادرها به سمت قلمرو نیمه عمومی می‌باشد که این امر علاوه بر تأمین دید مناسب به سمت این فضا، موجب تعریف قلمرو نیمه عمومی نیز می‌شود. در ارتباط با قلمرو عمومی در ساختار فضایی ایل، می‌توان به فضای بازبین چادرها اشاره کرد. این فضا به‌واسطه نوع چیدمان سیاه‌چادرهای خانوارهای ایل شکل می‌گیرد و معمولاً یک فضای مسطح برای این منظور انتخاب می‌شود. این فضا مانند یک حیاط مرکزی، محل گردهمایی‌های عمومی افراد ایل و همچنین انجام فعالیت‌های همگانی بر مبنای سنت‌های کهن در برگزاری جشن‌ها، اعیاد، مراسم عزاداری و مذهبی در سطح ایل است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

رفتارهایی که در قلمرو اولیه (فضای درونی سیاه‌چادر) انجام می‌گیرد، شامل رفتارهای روزمره، برای رفع نیازهای فردی مانند پخت‌وپز، غذا خوردن، راز و نیاز و عبادت، خوابیدن، نگهداری از کودکان، درست کردن صنایع‌دستی، بافتن گلیم، قالی، جاجیم، رفتارهای مربوط به گذراندن اوقات فراغت مانند داستان‌سرایی و نیز رفتارهای مربوط به تعاملات اجتماعی و صلح ارحام است. بیش‌ترین الگوی رفتاری در قلمرو ثانویه انجام می‌گیرد و مربوط به فعالیت‌های مرتبط با امرامعاش است. این قلمرو که بیش‌تر توسط زن خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد، با رفتارهایی چون دوشیدن دام، ریسیدن نخ، بافتن تخته‌های چادرها، پخت‌وپز، علوفه دهی، نگهداری دام، دوشیدن دام، پشم‌چینی دام، تهیه هیزم و انباشتن آن، شستشو و مواردی از این دست، همراه است. قلمرو عمومی شامل فضای باز مسطح میانی چادرها است. از این فضا بیش‌تر به‌منظور انجام رفتارهای جمعی و تعاملات اجتماعی میان افراد استفاده می‌شود. در این فضاها عموماً مراسم آیینی چون عروسی، بازی‌های محلی، رقص محلی، ملاقات و گفت‌وگوی کوچ‌نشینان و همچنین سوادآموزی کودکان انجام می‌پذیرد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۸). در خصوص نحوه استقرار سیاه‌چادرها کنار هم نیز، فضاهای باز تعریف شده بین اجزای مختلف این مجموعه و خانوارها، فواصلی را بین اجزاء برقرار کرده است، به‌گونه‌ای که هر یک از این اجزاء دارای حریم خاص خود هستند و بافاصله مناسبی از یکدیگر قرار گرفته‌اند. این سکونتگاه‌ها از نظر کالبدی و فضایی به‌گونه‌ای طراحی و ساخته می‌شوند که در تطابق کامل با نظام فعالیت آن‌ها می‌باشد. حریم‌ها نیز به دو صورت فضایی و زمانی در سازمان‌دهی فضایی محیط ساخته شده نمایش داده شده و رعایت می‌شوند. (شکل ۲ و ۳).



شکل ۳. نحوه سازمان‌دهی و الگوی قرارگیری سیاه‌چادرها و فضاهای مختلف در سکونتگاه عشایر کوچ رو بردکر
راهنمای نقشه: ۱. فضای بازتعریف شده، ۲. محل نگهداری دام‌ها، ۳. دستشویی، ۴. سیاه‌چادر والدین، ۵. سیاه‌چادر فرزندان پسر خانواده که ازدواج کرده‌اند



شکل ۲. موقعیت قرارگیری سیاه‌چادرها و فضاهای مختلف در سکونتگاه عشایر کوچ رو بردکر
مأخذ: آرشیبو سازمان عشایر لرستان، ۱۴۰۱

در طرح اسکان خدمات و امکانات موردنیاز جهت اسکان عشایر پیش‌بینی شد؛ بنابراین به استناد طرح جامع شرح خرم‌آباد و طرح ساماندهی مراکز و فضاهای سکونتگاهی که به تصویب شورای عالی معماری و شهرسازی رسیده و با عنایت به استانداردها و ضوابط مصوب کشور، طبق اطلاعات جدول ۱، خدمات و امکانات گوناگونی مانند فضاهای اداری، آموزشی، فرهنگی، تفریحی، ورزشی و مذهبی، بهداشت و درمان، انرژی و زیرساخت، ارتباطات، برای ساکنان پیش‌بینی شده که تعدادی از آن‌ها اجرا شده بخشی از آن‌ها نیز هرگز ساخته و اجرا نشده‌اند.

بازخوانی و تحلیل الگوهای جدید ساخت‌وساز در کانون اسکان زیبامحمد

در راستای اجرای سیاست اسکان عشایر، اداره امور عشایری لرستان در سال ۱۳۸۶ تصمیم به اسکان عشایر تیره قاسمی ایل موسوی در منطقه زیبامحمد واقع در حاشیه شمال شرقی شهرستان خرم‌آباد می‌گیرد. در این راستا طرحی جهت احداث کانون اسکان در این منطقه، ارائه داده و با ارائه تسهیلات به عشایر، تلاش می‌نماید تا طبق طرح ارائه شده شرایط اسکان عشایر در منطقه مذکور فراهم شود.

جدول ۱. کاربری‌های پیشنهادی کانون اسکان زیبامحمد

نوع کاربری	مساحت (مترمربع)	سرانه (مترمربع)	درصد از کل
مسکونی	۲۴۴۴۴	۷۲/۵	۴۸/۱۹
آموزشی	۴۱۵	۳/۳۷	۲/۲۴
پیش‌دستانی	۷۲۲	۳۷	
مذهبی (مسجد)	۴۴۳	۱/۳۱	۰/۸۷
درمانی (خانه بهداشت)	۴۰۹	۱/۲۱	۰/۸۰
فرهنگی (کتابخانه)	۲۷۷	۰/۸۲	۰/۵۴
تأسیسات و تجهیزات	۲۰۱	۰/۵۹	۰/۳۹
پارک	۲۳۶۵	۷/۰۱	۴/۶
فضای سبز	۸۹۴	۲/۶۵	۱/۷۶
اداری (دهیای)	۲۸۹	۰/۸۵	۰/۵۶
محدوده قانونی راه	۸۴۴۳	۲۵/۰۵	-
مسیل داخل بافت	۸۸۸	۲/۶۳	۱/۷۵
معابر	۱۹۳۶۹	۴۸/۴	۳۸/۱۹
کل	۵۰۷۱۶	-	۱۰۰

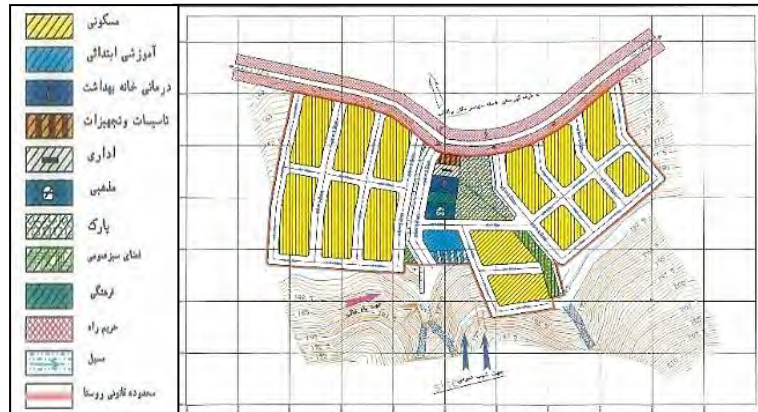
مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی لرستان، ۱۳۸۵: ۴۷

که این فضا جهت سکونت افراد و نگهداری دام پیشنهاد شده است. تمام بلوک‌های مسکونی دارای دوکله هستند و برای پلاک‌ها از دو جهت دسترسی به خیابان ۱۲ متری جهت دسترسی

طبق اطلاعات شکل ۴، مساحت پیش‌بینی شده برای احداث مجدد روستا ۵۱۰۰۰ مترمربع بوده و حد نصاب تفکیک قطعات مسکونی ۴۰۰ مترمربع و برای شرقی - غربی در نظر گرفته شده

درصد در نظر گرفته شده است. (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی لرستان. ۱۳۸۵: ۳۳-۳۴).

انسان و خیابان ۱۰ متری جهت دسترسی حیوان طراحی شده است. طول و عرض قطعات تفکیکی ۳۰ در ۱۳/۵ و با تراکم ۱۲۰



شکل ۴. سایت پلان کانون اسکان زیبامحمد

مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی لرستان. ۱۳۸۵: ۳۳

چادرها و شبکه ارتباطی بین آن‌ها و تفکیک عملکردی بخش سکونت انسان و دام شکل گرفته است. این سکونتگاه‌ها از نظر کالبدی و فضایی به‌گونه‌ای طراحی و ساخته می‌شوند که در تطابق کامل با نظام فعالیت آن‌ها است. از این رو بر مبنای بوم‌گرایی، ضروری است تا روستاهای برآمده از اسکان که برای عشایر یکجانشین شده ساخته می‌شوند؛ نیز دارای چنین خصوصیتی باشند؛ اما متأسفانه در بررسی‌های بعمل آمده مشخص شد که متأسفانه از منظر فضایی و کالبدی آسیب‌هایی روستای برآمده از اسکان زیبامحمد را تهدید می‌کند و این روستا دارای ناهنجاری جدی در این زمینه است. برخی از آسیب‌های دیگر که با توجه به پیشینه کوچ روی عشایر، این سکونتگاه‌ها را از منظر فضایی و کالبدی تهدید می‌کند عبارت‌اند از:

- عرصه بندی و سازمان‌دهی نامناسب فضاها،
- عدم رعایت سلسله‌مراتب فضاها متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه عشایری،
- عدم رعایت ابعاد و تناسب فضاها متناسب با نیازها و خصوصیات فرهنگی و اجتماعی زندگی جامعه عشایری،
- عدم انعطاف‌پذیری فضاها،
- عدم توجه به خودبسندگی که از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه عشایری،
- عدم توجه به استفاده از مصالح مناسب و متناسب با روحیات جامعه عشایری،
- عدم امکان توسعه واحدها (با توجه به فرهنگ عشایر منطقه معمولاً پس از ازدواج هم‌خانواده‌ها ترجیح می‌دهند

براساس مشاهده میدانی محققان این پژوهش و مصاحبه‌هایی که با ساکنان انجام شد، مشاهده می‌شود که این کانون اسکان همچنان با آسیب‌های جدی مواجه است. چنانچه این آسیب‌ها شناسایی و رفع نگردد مجدداً منجر به تخلیه این کانون خواهد شد. عشایری هم که به‌صورت دائم در این منطقه اسکان‌یافته‌اند، همچنان در منطقه مورد مطالعه در فصولی از سال اقدام به برپایی سیاه‌چادرهای عشایری می‌نمایند که این امر گویای این مطلب مهم است که این کانون به‌خوبی نیازهای ساکنان را از جنبه‌های مختلف به‌ویژه از منظر بوم‌گرایی تأمین ننموده است. زیرا اگر این کانون‌ها به‌خوبی امکان تأمین نیازهای آن‌ها را فراهم می‌آورد، بدون شک چنین مواردی مشاهده نمی‌گردید. از این رو در ادامه تلاش می‌شود تا آسیب‌هایی که موجب نارضایتی ساکنان این کانون اسکان شده‌اند از منظر معماری مورد بررسی قرار گیرند.

آسیب‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این آسیب‌ها در الگوهای جدید ساخت‌وساز در کانون اسکان زیبامحمد

در این پژوهش آسیب‌هایی که الگوهای جدید ساخت‌وساز مسکن روستای برآمده از اسکان زیبامحمد را تهدید می‌کند در ۱۲ مقوله کلان دسته‌بندی شده‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضایی و کالبدی در کانون اسکان زیبامحمد

نظام استقرار فضایی و کالبدی در سکونتگاه بیلاقی و قشلاقی عشایر کوچ‌رو محدود مورد مطالعه، بر مبنای خصوصیات همچون، قرارگاه‌های رفتاری، فواصل و حریم‌ها میان مجموعه

آسیب‌ها و ناهنجاری‌های سیما و منظر در کانون اسکان زیامحمد

در ذهن و زبان عشایر معادل ذهنی ظرف سکونت، سیاه‌چادر است. تصویر ذهن این افراد از زندگی با سیاه‌چادر قرین بوده، به‌گونه‌ای که کوچ و زندگی عشایری یادآور سرپناه‌های موقت در قالب سیاه‌چادر است. خود سیاه‌چادر نیز تداعی‌کننده زندگی عشایری است و این تصویر در طی یک تعامل طولانی‌مدت بین زندگی و کالبد آن شکل گرفته است؛ اما کالبدی که زندگی عشایر در آن جریان دارد، تنها سیاه‌چادر نیست بلکه تمام محیط طبیعی و منظری است که سیاه‌چادرها را در خوی جای داده و ادراک ذهنی عشایر از آن محیط را شکل می‌دهد (شکوری و خدادادی، ۱۳۹۳: ۴).

منظر هم ساخته می‌شود و هم سازنده است. منظر ارتباط ناگسستگی با هویت مکان‌ها دارد و جلوه‌گر طبیعت بومی و شیوه‌های زندگی بومی در مکان‌هاست؛ اما متأسفانه طراحی کانون اسکان عشایر زیامحمد به ویرانی منظر و طبیعت بومی آن منجر شده و منظرهای بی‌مکان و بی‌زمان را جانشین ادراکات حسی و تصورات ذهنی و تجربه زیسته (ادراک ترکیبی)، عشایر در خصوص منظر نموده و منظر این سکونتگاه‌ها را با آسیب‌ها و ناهنجاری‌هایی جدی مواجه نموده که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- چشم‌انداز کلی مجموعه آشفته است و این آشفتگی، در حال افزایش است،

- خط آسمان مجموعه بسیار آشفته است،
- شبکه راه‌ها با ساختار فضایی منطقه ناهماهنگ است،
- عدم توجه به ارتباط قوی عشایر با عناصر چهارگانه طبیعت (آب، باد، خاک و آتش: (خورشید)) و جایگاه ویژه آن‌ها در همه شئون زندگی عشایر، در طراحی منظر،
- عدم وجود نشانه‌های قابل شناسایی در بافت،
- فراموش شدن نقش اصلی زمین و جایگاه آن در زندگی عشایر پیش از اسکان،
- عدم توجه به نفوذپذیری بصری، انتظام و تناسبات بصری،
- استفاده از نماهای بسیار ساده و غیر مرتبط با پیشینه زندگی عشایر،
- عدم توجه به سیمای بام، رنگ و مصالح، در طراحی مجموعه.

آسیب‌های ناشی از عدم توجه به غنای حسی (بصر محوری، تجربه حرکتی- کالبدی، بویایی و چشایی، بساواپی، شنوایی) در طراحی و ساخت سکونتگاه مورد مطالعه

فرزندان حتی پس از ازدواج هم در یکی از اتاق‌های همان واحد در کنار سایر اعضای خانواده سکونت داشته باشند)،

- عدم توجه به ارتباط قوی عشایر با عناصر چهارگانه طبیعت (آب، باد، خاک و آتش) و جایگاه ویژه آن‌ها در همه شئون زندگی آن‌ها،
- برخلاف اینکه نفوذپذیری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سکونتگاه‌های عشایر پیش از اسکان به شمار می‌رود، اما متأسفانه در طراحی خانه‌ها و بافت این سکونتگاه، به این مسئله مهم توجهی نشده است.
- عدم توجه به قرارگاه‌های رفتاری که زندگی عشایر بر مبنای آن‌ها شکل گرفته است.
- عدم توجه به رعایت حریم‌هایی که در سطوح مختلف فردی و اجتماعی مدنظر عشایر است.

آسیب‌ها و ناهنجاری‌های عملکردی در کانون اسکان زیامحمد

الگوی جدید ساخت‌وساز مسکن در سکونتگاه زیامحمد در قیاس با الگوی سکونت قبلی ساکنان - یعنی چادرنشینی - دارای نوعی ناهنجاری کارکردی است به‌طوری‌که همان‌گونه که بیان شد، سکونتگاه‌های عشایر کوچ‌رو کارکرد چندگانه داشته‌اند اما مسکن جدید گرایش به تک کارکردی دارند که این امر خود موجب آسیب‌هایی در زمینه‌های مختلف از طریق صدمات به بخش دامداری و برچیده شدن بخشی از فعالیت‌های صنعتی مانند صنایع دستی و ... شده است. آسیب‌ها و ناهنجاری‌هایی که بافت روستا را در حوزه عملکردی تهدید می‌کنند عبارت‌اند از:

- فقدان پاسخگویی فضاها از جنبه عملکردی و کارکردی برای پاسخگویی به نظام فعالیت و شغلی ساکنین به‌ویژه در خصوص دام‌پروری، بر پا کردن دار قالی، تولید قالی و قالیچه و سایر صنایع دستی.

- عدم تطابق نیازهای ساکنان با مسکن‌های ساخته شده
- بخش عمده فعالیت‌ها در جامعه عشایری بر عهده زنان می‌باشد و زنان در زندگی عشایر نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند که متأسفانه در سکونتگاه‌های فعلی به این نقش و جایگاه ویژه توجهی نشده و موجب کاهش نقش زنان شده است.
- عدم توجه به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی در شکل‌گیری نظام عملکردی سکونتگاه.

- عدم ترکیب و انسجام فرم فضاها و ساختمان‌ها با فعالیت‌های جاری در آن‌ها

تجربه معماری، تجربه‌ای چندحسی است و کیفیت‌های ماده، فضا و مقیاس نه‌تنها با چشم، بلکه با گوش، بینی، پوست، زبان، سنجیده می‌شوند؛ به‌واقع، معماری از طریق همه حواس تجربه می‌شود (صالحی‌نیا و نیرومند شیشوان، ۱۳۹۷: ۲۰).

اما متأسفانه سکونتگاه‌ها که برای عشایر اسکان یافته ساکن در منطقه زیمامحمد ساخته شده، فاقد غنای حسی بوده و اهمیت حواس در ادراک محیط در طراحی این مجموعه نادیده گرفته شده است. به علت عدم توازن در استفاده از حواس پنج‌گانه، قابلیت افراد برای درک عمیق و باکیفیت از محیط کالبدی کاهش پیدا کرده است.

آسیب‌های ناشی از احساس بیگانگی جامعه عشایر با سکونتگاه مورد مطالعه به خاطر بی‌توجهی به عناصر هویتی جامعه عشایری

هویت به معنای درک مردم درباره کیستی و چیزهایی است که برایشان معنادار است. مفهوم هویت در فرایند اجتماعی شدن انسان یافت می‌شود. کنش متقابل بین شخص و جامعه موجب اتصال جهان شخصی و عمومی وی می‌گردد. زندگی کردن در منطقه‌ای آشنا و میان مردمی از نوع خود که شیوه‌ها و عادت‌هایشان شناخته شده است به انسان احساس امنیت می‌دهد (خاکپور و عشقی صنعتی، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۲).

هویت، همچون تعلق به محیط ساخته شده یا مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای در درک چگونگی تأثیر محیط ساخته شده بر ادراک و درنهایت رفتار افراد دارد. مفهوم هویت-مکان، کلیدی برای شناخت رفتار انسان است. انسان از زمانی که پای در این جهان می‌گذارد، به‌وسیله محلی که در آن سکنی می‌گزیند تعریف می‌شود و به‌طور معمول قادر است محل زندگی خود را با توجه به نیازها و خواسته‌های خود هماهنگ کند، در نتیجه ارتباط جدایی‌ناپذیری میان هویت و محیط وجود دارد (پوردیهیمی و نورتقانی، ۱۳۹۲: ۹).

محیط مسکونی می‌تواند به‌عنوان محل تجلی هویت افراد باشد. اقوام مختلف دارای مسکن بومی مشترکی از لحاظ فرم کلی می‌باشند. عشایر نیز با طراحی سکونتگاه‌های خود به بیان هویت مشترک درون‌گروهی دست‌یافته‌اند که آن‌ها را از اقوام دیگر متمایز می‌سازد (پوردیهیمی و نورتقانی، ۱۳۹۲: ۱۲). از این رو در طراحی و ساخت کانون‌های اسکان ضروری است تا به هویت شخصی و جمعی آن‌ها توجه شود (راپاپورت، ۱۳۸۴: ۹۴؛ Rapoport, 2005: 32)؛ اما متأسفانه یکی از آسیب‌های جدی که کانون اسکان زیمامحمد را تهدید می‌کند عدم ارتباط ساکنان آن با سکونتگاه‌های جدید به علت در نظر نگرفتن پیشینه زندگی عشایر و عناصر هویت‌ساز در این مجموعه است.

حواس پنج‌گانه انسان ابزارهایی هستند که درک پدیده‌ها، محیط و فضای پیرامون انسان را برای او امکان‌پذیر می‌سازند. تجربه انسان از محیط از طریق کانال‌های حسی متعدد بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لمسی صورت می‌گیرد. وسعت و عمق تجارب حاصله تحت عنوان مفهوم کلی غنای حسی قابل بررسی است. انسان‌ها در دنیای چند حسی زندگی می‌کنند که با دیدن، بویا، صداها، مزه‌ها و پدیده‌های چشیدنی احاطه شده‌اند و روشی که این محرک‌ها تجربه می‌شوند به فهم ما از محیط پیرامون کمک می‌کند.

غنای حسی موجب شکل‌گیری تجربیات حسی متنوع در فضا و در نتیجه پاسخ‌دهندگی بیش‌تر فضا می‌شود (بنتلی، ۱۳۸۶). اگرچه نخستین برخورد با فضا تجربه‌ای بصری است و درک فضا معمولاً از طریق ظواهر و مشهودات آغاز می‌گردد، با این حال حواس دیگر نیز در ادراک کیفیات محیطی بسیار تأثیرگذارند. به بیان دیگر، اگرچه بینایی حس غالب در ادراک است اما صدا، بو، دما، تعادل، جهت، جنس و بافت عناصر تعریف‌کننده فضا نیز در این فرایند نقش مهمی بر عهده دارند (پاکزاد، ۱۳۸۸).

عشایر ساکن در محدوده مورد مطالعه، پیش از اسکان به‌واسطه کوچ روی و داشتن زندگی در اقلیم مناسب در فصول مناسب و همچنین شرایط ویژه توپوگرافی و پوشش گیاهی متنوع در مسیر کوچ و سکونتگاه‌های بیلاقی و فشلاقی، از هوای لطیف و جلوه‌ای زیبا از طبیعت دل‌چسب در تمام فصول سال، بهره‌مند بوده‌اند. زندگی این مردمان به طرز شگفت‌آوری با طبیعت عجین است. منظر سکونتگاه‌های عشایر کوچ‌رو را می‌توان نمونه‌ای بارز از منظر حسی دانست؛ چراکه درهم‌آمیختگی طبیعت با زندگی مردمان غنای حسی فوق‌العاده‌ای را در ادراک محیط ایجاد نموده است. آن‌ها در طول زندگی روزمره با طبیعت پیرامونی ویژه خود در ارتباط هستند و آن را با تمامی حواس خود می‌شناسند. در زندگی عشایری در سطوح مختلف حواس پنج‌گانه درگیر می‌شوند. تصویر زندگی در ذهن عشایر چندبعدی است و جزئیات زیادی را در برمی‌گیرد. تنوع و در هم تنیدگی ادراکات، رابطه متقابل حوزه نفوذ خانه و زیست‌بوم را افزایش می‌دهد. یکی از راه‌های ارتقای کیفیت فضاهای سکونت، افزایش غنای حسی محیط به‌منظور به‌کارگیری تمامی حواس برای همه اقشار اجتماعی، سنی و جنسی است؛ زیرا این فضاها از طریق دریافت‌های حواس گوناگون احساس و ادراک می‌شوند و در ادراک فضا هر چه اندام‌های حسی بیش‌تری تحریک شوند، تأثیرگذاری فضا بیش‌تر و درک از فضا کامل‌تر و عمیق‌تر صورت خواهد گرفت و احتمال جذابیت، نقش انگیزی و خاطره‌انگیزی فضا نیز افزایش خواهد یافت (زنگنه و کشمیری، ۱۳۹۷: ۱۸۲).

آسیب‌های فرهنگی ناشی از عدم تطابق سکونتگاه مورد مطالعه با ساختار فرهنگی جامعه عشایری

جامعه عشایر با سبک زندگی کوچ‌نشینی که یکی از کهن‌ترین شیوه‌های زیستی بشر در این سرزمین به حساب می‌آید، همانند دیگر انسان‌ها در پی ساخت سکونتگاه‌هایشان براساس آموزه‌های چند هزارساله و مبتنی بر بنیان‌های فرهنگ‌شان هستند و به علت این تداوم فرهنگی، عشایر لرستان، شکل معماری سکونتگاه‌هایشان حفظ شده و برخاسته از معانی و مفاهیم برگرفته از فرهنگ غنی آن‌هاست. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که نحوه ساخت، تفکیک فضایی، چیدمان و تزئینات فضای داخلی سکونتگاه‌های عشایری ریشه در نمادها و نشانه‌های فرهنگی این قوم دارد و معماری جامعه عشایر بر اساس فرهنگ آن‌ها شکل می‌گیرد و فرهنگ مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری سکونتگاه‌های آن‌هاست و فرزندان که در این سکونتگاه‌ها پرورش می‌یابند این سکونتگاه‌ها بر آموزش آن‌ها و دریافت فرهنگ تأثیر مستقیم دارد و باعث می‌شود این فرهنگ به نسل بعدی منتقل شود.

مطالعه و بررسی معماری سکونتگاه‌های جامعه عشایر کوچ‌رو منطقه مورد مطالعه به‌عنوان یک جامعه زنده و پویا ولی در عین حال با کم‌ترین تغییرات فرهنگی نسبت گذشته به اهمیت این موضوع می‌پردازد که معماری آن‌ها کاملاً براساس اصول فرهنگی این قوم ساخته می‌شود و فرهنگ مهم‌ترین عنصر در شکل‌گیری معماری سکونتگاه‌های آن‌هاست و از طریق نمود فرهنگ غنی‌شان در معماری به‌نوعی فرهنگ‌شان را از طریق همین معماری به نسل‌های بعدی نیز منتقل می‌نمایند و اصول فرهنگی نسل بعدی را نیز شکل می‌دهد. به این معنی که گویی همین معماری، فرهنگ نسل بعد را می‌سازد و فرهنگ جامعه عشایری لرستان یک فرهنگ معماری ساز است و معماری آن‌ها نیز یک معماری، فرهنگ‌ساز است؛ لذا راهکارهای اصیل به کار گرفته شده توسط عشایر برای ساخت سکونتگاه‌هایشان همگی برخاسته از فرهنگ غنی این قوم هستند. از این‌رو ضروری است تا در طراحی سکونتگاه‌هایی که برای عشایر اسکان یافته ساخته می‌شود این اصول را کشف نموده و در رسیدن به اصول و احکام دقیق‌تر در طراحی و برنامه‌ریزی‌های برای ساخت سکونتگاه‌های عشایر اسکان یافته نیز این اصول را به کار گیریم.

از این‌رو در عین حال از نقطه‌نظر رعایت مسائل فرهنگی در سازگاری انسان و محیط راپاپورت با توجه به بعضی تجربیات و مداخلات در جوامع سنتی توصیه می‌نماید که ایجاد تغییرات در محیط می‌بایست آهسته و هماهنگ با نظام فرهنگی جوامع باشد، که این مسئله را سازگاری خلاق می‌نامد. در این راستا راپاپورت بر لزوم هم‌ساختی بین فرهنگ و محیط اشاره نموده است. محیط مناسب برای حفظ جنبه تقویت‌کننده خود باید درخور گروه‌های بهره‌بردار

آسیب‌های اجتماعی به خاطر بی‌توجهی به ساختار اجتماعی جامعه عشایری در سکونتگاه مورد مطالعه

فضای اجتماعی، قلمروی است که زندگی فرهنگی جامعه در آن هدایت می‌شود. فضا به‌وسیله جامعه؛ یعنی به‌وسیله الگوهای کنش متقابل اجتماعی، تولید می‌شود، ولی خود را بر استفاده‌کنندگان نیز تحمیل کرده و در نتیجه به جامعه شکل می‌دهد. فضا، یک تولید اجتماعی یا یک مجموعه ساخت اجتماعی بر پایه ارزش‌ها و معانی است که ادراکات و کاربردهای فضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (افشاری، ۱۳۹۸: ۴۱). توجه به قابلیت‌های محیط فیزیکی و اجتماعی مبتنی بر تداعی ذهنی در زندگی فردی و اجتماعی، زمینه را برای بروز فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی فراهم می‌آورد و راهنمای کنش‌های اجتماعی در تعاملات انسان می‌گردد (افشاری، ۱۳۹۹: ب): (۲۴۰).

هدف اصلی مسکن ایجاد محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است، به بیان دیگر علاوه بر تأمین نیازهای شخصی باید نیازهای کیفی و نیازهای اجتماعی او را نیز برآورده نماید. بافت‌های مسکونی و ساختمان‌های بومی کمتر نتیجه امیال شخصی هستند و بیشتر نشان‌دهنده اهداف و امیال گروه‌ها برای یک محیط آرمانی می‌باشند. بنابراین آن‌ها دارای ارزش‌های نمادینی هستند که از طریق فرهنگ اجتماعی به وجود آمده‌اند و می‌توان آن‌ها را محصول عوامل مشترک اجتماعی دانست. عوامل مشترک اجتماعی شامل تمام جنبه‌های محیطی و فرهنگ اجتماعی می‌باشد و از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مسکن و محیط‌های مسکونی در کانون‌های اسکان عشایری هستند.

ویژگی‌های اجتماعی و شیوه زندگی ساکنان تأثیر ژرفی بر طراحی واحد مسکونی و سکونتگاه دارد. عوامل اجتماعی که سکونتگاه‌های روستایی را شکل می‌دهند، در چهار گروه کلی قابل توصیف هستند: ساختار و اندازه خانواده، امنیت، عرصه‌ها و مذهب؛ اما متأسفانه عدم توجه به ویژگی‌ها و نیازهای اجتماعی ساکنان در طراحی کانون اسکان زیامحمد مشهود است به‌طور مثال عشایری که قبلاً در محیط‌هایی سکونت داشته‌اند که مرزهای فضایی شفاف بوده و فواصل فضایی بین خانوارها بسیار انعطاف‌پذیر بوده‌اند و همین امر موجب شده بودند که امکان برقراری تعاملات اجتماعی برای ساکنین در بالاترین سطح ممکن وجود داشته باشد؛ ولی هم‌اکنون خانوارها در محیط‌هایی اسکان یافته‌اند که شفافیت و انعطاف‌پذیری فضاهای پیش از اسکان را ندارند و امکان برقراری تعاملات گسترده اجتماعی مانند گذشته برای آن‌ها مقدور نیست؛ که این مسئله به‌عنوان یک آسیب جدی برای ساکنان این کانون مطرح بوده و متأسفانه تأثیرات منفی‌اش بر جنبه‌های مختلف عشایر اسکان یافته کاملاً مشهود است.

شده تأثیر می‌گذارند، بلکه سازمان‌دهی فضایی و نوع فضاهای موردنیاز را نیز تعیین می‌کنند؛ بنابراین برای مسکن روستایی در کنار نقش استراحت گاهی و مأمّن خانوادگی، نقش‌های تولیدی، معیشتی، انباری و کارگاهی نیز متصور است (شفایی، ۱۳۹۷: ۳۵). اما متأسفانه نکته‌ای که در کانون اسکان زیامحمد کاملاً مشهود است عدم توجه به نقش ویژه عشایر در اقتصاد و ایجاد محدودیت‌های گوناگون کالبدی و عملکردی برای فعالیت‌های اقتصادی عشایر است که این مسئله به‌عنوان یک آسیب مهم مطرح است. چرا که کاهش نقش اقتصادی عشایر و کاهش تولیدات دام و محصولات دامی علاوه بر ایجاد فشار اقتصادی به جامعه عشایری می‌تواند منجر به تخلیه کانون اسکان و خروج عشایر از این کانون برای بازیابی توان اقتصادی‌شان گردد.

آسیب‌های ناشی از عدم توجه به عادت‌واره‌های ساکنان در شکل‌گیری سکونتگاه‌های عشایر اسکان‌یافته در کانون اسکان زیامحمد

عادت‌واره یک طرح عام از خلق و خواست که به‌طور ضمنی از اوایل دوران کودکی ایجاد می‌شود و جنبه پایدار دارد (Bourdieu, 1996). بوردیو عادت‌واره را مجموعه‌ای از قابلیت‌ها تعریف می‌کند که فرد در طول حیات خود آن‌ها را درونی کرده و در حقیقت بدل به طبیعتی ثانویه برای خویش می‌کند، به‌گونه‌ای که فرد بدون آنکه لزوماً آگاه باشد بر اساس آن‌ها عمل می‌کند. عادت‌واره ترکیب پیچیده‌ای از ابزارکنیوته (جهان عینی) و سوژکنیوته (جهان ذهنی) اجتماعی برای ساختن شخصیت افراد نیز هست که هر شخصی را از دیگری متفاوت می‌کند (Calhoun et al., 2007).

بنابراین برای درک رفتار و کردار و عقاید افراد، بایستی عادت‌واره‌ها و برای شناخت و درک عادت‌واره‌ها بایستی محیط حاکم یا موجود را درک کرد. در این کانون‌ها، عشایری اسکان‌یافته‌اند که تا دو دهه پیش در سیاه‌چادرها ساکن بوده‌اند و هنوز دل‌بستگی عمیقی نسبت به آن شیوه زندگی دارند. خانه‌هایی که برای عشایر اسکان‌یافته ساخته می‌شود باید براساس عادت‌واره‌هایی که طی سال‌های طولانی شکل گرفته‌اند، طراحی و ساخته شده و به‌درستی نیازهای عشایر اسکان‌یافته را تأمین نمایند؛ به‌طوری‌که با تداعی حس سکونت آن‌ها در سیاه‌چادرها حس در خانه بودن را در آن‌ها ایجاد نمایند. این حس مبتنی بر عادت‌واره‌هایی شکل گرفته است که طی سالیان طولانی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند.

باشد. در این باره، محیط‌ها به طرق متفاوت توسط گروه‌ها استفاده می‌شود، زیرا محیط می‌بایست تقویت‌کننده فعالیت‌ها و همسان بافرهنگ گروه‌های استفاده‌کننده باشد (افشاری، ۱۳۹۴: ۳). نظام فرهنگی، دیدگاه‌های انسان را نسبت به موضوعات مختلف از جمله ارزش‌ها و معانی و همچنین ترجیحات و انتخاب‌های روش زندگی پدید می‌آورد، که به نظر می‌رسد ترکیبی از این عوامل می‌تواند بر انتظام فضاهای زندگی در محیط ساخته شده مؤثر باشد (افشاری، ۱۳۹۴: ۶). در تعامل انسان و محیط، سازگاری فرهنگی از طریق آداب، رسوم، هنجارها و به عبارتی الگوهای فرهنگی صورت می‌پذیرد. فرهنگ به‌عنوان سازگاری درونی انسان و محیط مؤثر پیرامون، درگذر زمان بر اساس قراردادهای فرهنگی شکل تقریباً ثابتی به خود می‌گیرد و دیگر وجوه زندگی انسان شامل جهان‌بینی، نظام‌های ارزشی و روش زندگی را متأثر می‌سازد (افشاری، ۱۳۹۴: ۵). لذا با عنایت به توضیحات فوق متأسفانه در برنامه‌ریزی و طراحی معماری کانون اسکان زیامحمد هیچ‌گونه توجهی به مؤلفه‌های فرهنگی ساکنان این مجموعه نشده است. عدم تطابق این سکونتگاه با فرهنگ افراد ساکن در آن به‌عنوان یک آسیب جدی در ایجاد نارضایتی آن‌ها مطرح بوده و تأثیرات منفی آن بر زندگی عشایر اسکان‌یافته در کانون اسکان زیامحمد کاملاً مشهود است.

آسیب‌های اقتصادی ناشی از عدم تطابق سکونتگاه مورد مطالعه با نظام اقتصادی جامعه عشایری کانون اسکان زیامحمد

سکونتگاه‌های عشایری در طول تاریخ بر مبنای فعالیت اقتصادی عشایر که همانا کوچ روی برای پرورش دام و تولیدات دامی با بهره‌گیری از مواهب طبیعی و کم‌ترین هزینه ممکن است. همچنین صنایع دستی و تهیه و فروش گیاهان کوهی و دارویی که در نقاط صعب‌العبور و در مسیر کوچ به دست می‌آیند، بخش مهمی از اقتصاد عشایر را شکل می‌دهد. زنان عشایر نیز در نظام اقتصادی زندگی عشایر نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند که متأسفانه در سکونتگاه‌های فعلی به این نقش و جایگاه ویژه توجهی نشده و موجب کاهش نقش زنان شده است.

بنابراین برخلاف واحدهای مسکونی در مناطق شهری، که مکانی برای زندگی روزمره ساکنان ارائه می‌دهد، برنامه‌ریزی برای روستاهای برآمده از اسکان، تحت تأثیر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان است. به‌طوری‌که می‌توان گفت، هر خانه روستایی اولاً یک واحد خودکفا است و ثانیاً ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با نوع معیشت دارد. لذا برای امور مربوط به تولید، توزیع و مصرف، فضاهای متعددی را طلب می‌کند. به این ترتیب، عوامل اقتصادی نه‌تنها بر کیفیت ساخت و مصالح به کار گرفته

سامان‌دهی اجزای محیط شامل عناصر ثابت، نیمه ثابت و غیرثابت خود را نشان می‌دهد (افشاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). محیط‌های مسکونی ایده‌آل باید با روش زندگی انسان سازگار و همچنین با تغییرات زندگی انسان هماهنگ باشند (افشاری، ۱۳۹۹، الف: ۵۹). بنابراین برای طراحی محیطی منطبق بر خواسته‌های کاربردی عشایر ساکن‌یافته در کانون ساکنان زیبامحمد و نظام فرهنگی آن‌ها لازم است، قرارگاه‌های رفتاری مورد استفاده در مقیاس‌های مختلف روش زندگی هر فرد، خانواده یا گروه، به همراه معانی ضمنی تأثیرگذار آن بر انتظام فضایی محیط زندگی مورد توجه قرار گیرد؛ اما متأسفانه آنچه در کانون ساکنان زیبامحمد شاهد آن هستیم عدم سازگاری محیط‌های ساخته شده با روش زندگی ساکنان در مقیاس‌های فردی، خانوادگی، همسایگی، خویشاوندی و عمومی است. این مسئله نیز یکی از آسیب‌هایی است که متأسفانه برای ساکنان این کانون مشکلات زیادی را در مقیاس‌های گوناگون ایجاد نموده است و باعث شده تا این سکونتگاه با روش زندگی آن‌ها هماهنگ نبوده مشکلات جدی برای ساکنان ایجاد شود.

آسیب ناشی از عدم احساس در خانه بودن در سکونتگاه‌های ساخته شده برای عشایر ساکن‌یافته منطقه زیبامحمد

با توجه به چندبعدی بودن عوامل مؤثر بر کیفیت مسکن، مؤلفه‌های مختلفی را می‌توان در این حوزه بررسی نمود؛ اما آنچه مهم است و اهمیت زیادی دارد این است که خانه صرفاً یک ساختار فیزیکی نیست، بلکه برخی عوامل وجود دارند که به مفهوم خانه معنایی فزاینده می‌بخشند. به ماندگاری و استقرا کاربران در خانه‌ها کمک می‌کنند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا با معنا و برقراری ارتباط با خاطرات و هویت خود، با سکونت در خانه حس بهتری داشته باشند (Heidegger, 1971). یکی از این عوامل، این است که ساکنان احساس در خانه بودن داشته باشند و این سکونتگاه‌ها را به‌عنوان خانه‌های خودشان بپذیرند. بر این اساس هالیس عوامل فرهنگی، فردی-اجتماعی، کالبدی-فضایی، عملکردی - کارکردی، ذهنی- ادراکی و حسی - معنایی را از جمله عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مفهوم خانه در ذهن ساکنان خود می‌داند (هالیس، ۱۳۹۸). لازمهٔ ایجاد این حس، تطابق خانه‌ها با الگوهای ذهنی و رفتاری و سبک زندگی ساکنان و پاسخگویی به نیازهای معنوی و مادی ساکنان آن‌هاست. حس در خانه بودن، پیوندی احساسی و نوعی وابستگی عاطفی مثبت است که بین فرد و خانه شکل می‌گیرد. در اثر این پیوند، خانه به نگرگاهی روانی بدل شده و احساسی از امنیت، اعتماد و رضایت

بنابراین بررسی و شناخت دقیق عادت‌واره‌ها شرایطی مناسب را برای شناخت زوایای پنهان معماری عشایر و امکانی برای آسیب‌شناسی سکونتگاه‌های جدید فراهم کرده و برای اتخاذ رویکردی مناسب برای ساخت خانه‌ای مطلوب، برای ساکنان مؤثر است؛ بنابراین باید خانه‌های ساخته شده در کانون ساکنان مبنای عادت‌واره‌هایی که زندگی عشایر مورد مطالعه براساس آن‌ها شکل گرفته و با تأکید بر ویژگی‌های شناخته شده زندگی عشایر و بازتاب‌های آن در الگوهای مسکن عشایر پیش از ساکنان طراحی و ساخته شوند. این خانه‌ها باید بر اساس عادت‌واره‌هایی که طی سال‌های طولانی شکل گرفته‌اند، به‌درستی نیازهای عشایر ساکن‌یافته را تأمین نموده و حس در خانه بودن را در آن‌ها ایجاد نمایند به‌طوری‌که حس سکونت آن‌ها در همان سیاه‌چادرها را برایشان تداعی کند. عشایری که هم‌اکنون در کانون ساکنان مورد مطالعه ساکن هستند، در دوران کوچ‌نشینی‌شان با به‌کارگیری راهکارهای اصیل مبتنی بر عادت‌واره‌هایی که طی هزاران سال از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند، اقدام به ساخت سکونتگاه‌هایشان می‌نمودند و هم‌اکنون نیز این عادت‌واره‌ها در زندگی آن‌ها جریان دارند؛ اما متأسفانه آنچه در خانه‌های ساخته شده برای کانون ساکنان زیبامحمد مشاهده می‌شود عدم توجه به این عادت‌واره‌ها در طراحی و ساخت این سکونتگاه است و این مسئله به‌شدت باعث نارضایتی و عدم تعلق خاطر ساکنان نسبت به این سکونتگاه شده است. این مسئله باعث آسیب‌هایی به ساکنان این خانه‌ها شده؛ که از آن جمله می‌توان به عدم احساس رضایت ساکنان از کانون ساکنان، عدم احساس آرامش و برهم خوردن نظام فعالیت آن‌ها اشاره کرد.

آسیب‌های ناشی از عدم سازگاری «محیط ساخته شده» با «روش زندگی ساکنان» در کانون ساکنان زیبامحمد

انسان همواره در تعامل با محیط پیرامون قرار دارد. این تعامل به سمت سازگار نمودن محیط با ساخت درونی انسان [فرهنگ] و رفع تنش‌های نامطلوب محیطی پیش می‌رود. روش زندگی به‌عنوان یک مؤلفه مهم و مشخص فرهنگ در سازگاری انسان و محیط مورد توجه است. روش زندگی دارای وجوه آشکار و پنهانی است که محیط ساخته شده را متأثر ساخته و به‌طور پیوسته تغییر می‌دهد. سازگاری انسان و محیط، تحت تأثیر ارزش‌ها، معانی ذهنی انسان و قابلیت‌های محیط پدید می‌آید (افشاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳). سازگاری انسان و محیط در همهٔ تعاملات انسان با محیط قابل مشاهده است. این موضوع از لحظهٔ رویارویی و گزینش محیطی خاص برای حضور دائم یا موقت تا انتخاب و

مشکلاتی که برای ساکنان ایجاد می‌نماید؛ موجب تخلیه مجدد کانون اسکان گردد.

آسیب ناشی از عدم توجه به حریم‌ها در خانه‌های ساخته شده برای ساکنان کانون اسکان زیامحمد

محیط زندگی انسان، متشکل از محیط اجتماعی و کالبدی در مقیاس‌های مختلف است و انسان بالاجبار برای حفظ و حراست خود و متعلقات خود در محیط اجتماعی پیرامون، تدابیری را به کار می‌گیرد. انسان از طریق این تدابیر، پیام‌های خود یعنی منظورها و معانی ذهنی خود را به دیگران فهمانده و رفتار موردنظر خود را از دیگر کنشگران محیط اجتماعی طلب می‌کند (افشاری، ۱۳۹۸: ۴۰). یکی از این تدابیر رعایت حریم در سکونتگاه‌های عشایری است.

انسان‌ها همواره در تعامل با محیط اجتماعی خود، مراتبی از حریم را با منظورهای متفاوت، برای خود، افراد پیرامون خود و انجام فعالیت‌های خود در نظر می‌گیرند. ایجاد حریم به دو عنصر؛ معانی ذهنی که ایجاد حریم را حکم می‌کنند و دوم، امکانات موجود فرد، وابسته است. حریم، دیده نشدن، شنیده نشدن، بوئیده نشدن و در دسترس قرار نداشتن چیزهایی است که با رعایت فواصل فضائی و زمانی در محیط زندگی افراد عینیت می‌یابند (افشاری، ۱۳۹۸: ۳۹).

حریم قرارگاه در سکونتگاه‌های عشایر از دو طریق قابل فهم است؛ اول، رویداد فعالیت (عناصر غیرثابت) که خود به‌عنوان معرف حریم قرارگاه‌ها عمل کرده و دوم، عناصر نیمه ثابت مانند مبلمان که محدوده قرارگاه را تعریف می‌کنند. از آنجا که سکونتگاه‌های عشایر یک مسکن مبتنی بر انتظام توأمان زمانی و فضائی قرارگاه‌ها هستند، علاوه بر ثبت عناصر نیمه ثابت، مشاهده رویداد فعالیت قرارگاه، راهنمای درک حدود فضائی و زمانی قرارگاه‌ها و فهم مسائل، وابسته به زمانمندی و فضا‌مندی آن بوده است. در سکونتگاه‌های عشایری، تعداد فضاها محدود بوده و در عوض، قرارگاه‌های رفتار متعددی وجود دارند. یافته‌های اولیه حاکی از این است که افراد انجام دهنده فعالیت‌ها از نقطه‌نظر جنسیتی یا جایگاه اجتماعی، بر ویژگی‌ها و انتظام قرارگاه فعالیت‌ها تأثیر تعیین‌کننده‌ای گذاشته؛ به‌طوری‌که قرارگاه‌های حضور و فعالیت مردان و زنان خانوار، خصوصیات فضائی متفاوتی را می‌طلبند. قرارگاه‌های والدین و فرزندان و همچنین قرارگاه‌های مهمان رسمی یا مهمان خودمانی نیز برخلاف انجام فعالیت مشابه، معانی و پیامدهای متفاوتی را بر قرارگاه‌های خود حاکم می‌نمایند (افشاری، ۱۳۹۸: ۴۴). سیاه‌چادرها به‌گونه‌ای مستقر

را با خود به دنبال دارد. این احساس، در سکنی‌گزیدن و آرام گرفتن انسان در خانه و دستیابی وی به سکینه خاطر مؤثر می‌باشد (Tasi, 2012; Fullilove, 1996).

هر فردی ممکن است در طول زندگی خود، سکونت در خانه‌های متفاوتی را تجربه کرده باشد؛ اما معمولاً یکی (یا گاهی تعدادی) از این خانه‌ها برایش متمایز است و به آن احساس تعلق خاطر بیش‌تری می‌کند؛ به‌گونه‌ای که با شنیدن واژه خانه ناخودآگاه آن مکان در ذهن وی تداعی می‌گردد، حتی اگر محل زیست کنونی‌اش نباشد. خانه‌ای که برایش یگانه است و آن را به دیگر مکان‌ها ترجیح می‌دهد؛ گویی برخی از خانه‌ها بیش‌تر معنای خانه‌دارند، علاقه بیش‌تری در فرد ایجاد می‌کنند و بخشی از وجود او می‌گردند. اگر خانه فعلی وی باشد، تصور ترکش برایش سخت است و اگر قبلاً آن را ترک نموده است، دل‌کندن از آن برایش مشکل بوده است. این احساسات، حکایت از پیوندی عاطفی میان فرد و آن مکان می‌نماید. به‌بیان‌دیگر، وی دل‌بسته آن خانه است (حجت و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲). این خانه‌ها معمولاً سرشار از نوستالژی و انباشتی از خاطرات گذشته نیز هستند به‌طوری‌که با نگاه کردن به هر بخشی از آن، خیال‌ما، ما را به زمان و مکانی دیگر می‌برد. در خانه‌هایی که تجربه حس در خانه بودن ساکنان را برمی‌انگیزاند، همواره تمام حس‌های انسانی فعال هستند و فضاهایی پر از ارزش‌های انسانی شکل می‌گیرد که می‌توانند انسان را به یک انسان آرمانی نزدیک کنند. باشلار چنین فضاهایی را که محلی برای آسایش هستند، فضای خوشبختی می‌نامد (باشلار، ۱۳۷۷).

به نظر می‌رسد که داشتن خانه و احساس تعلق به آن (حس در خانه بودن) می‌تواند عامل مهمی در ماندگاری جمعیت و مشارکت در عمران و آبادانی آن باشد. برخی از پژوهشگران بر این باورند که روندهای سرمایه و فرایندهای مدرنیته روستاهای ما را از احساس در خانه بودن دور کرده و به‌سوی مکعب‌هایی تحت عنوان مسکن، جهت‌گذراندن امور روزمره نظیر خوراک و سرپناه سوق داده‌اند؛ سرپناه‌هایی که روابط اجتماعی در آن‌ها قوام ندارند و هویت را برای افراد به ارمغان نمی‌آورند (جیکوبز ۱۳۹۲؛ لوفور ۱۳۹۵ و اوژه ۱۳۸۷). متأسفانه این مسئله در خانه‌های ساخته شده برای عشایر اسکان یافته در کانون اسکان زیامحمد مشهود است. ساکنان هیچ‌گونه احساس تعلق‌خاطری نسبت به این خانه‌ها نداشته و این خانه‌ها مکعب‌هایی ساده و فاقد حس در خانه بودن برای ساکنان هستند. عدم وجود تعلق خاطر و حس در خانه بودن در این سکونتگاه به‌عنوان آسیب جدی مطرح است و حتی این مسئله در طولانی‌مدت می‌تواند به علت

افراد فامیل که در ایل حضور دارند و همچنین افراد غریبه تعریف شده است؛ اما متأسفانه برخلاف اهمیت خیلی زیاد رعایت حریم‌ها برای عشایر، با توجه به مشاهدات و مصاحبه‌هایی که با عشایر اسکان‌یافته زیبامحمد به عمل آمد مشخص شد که متأسفانه در طراحی کانون‌های اسکان به این موضوع توجهی نشده است و هیچ‌کدام از حریم‌های مد آن‌ها در این کانون رعایت نشده است. این مسئله به‌عنوان یک آسیب جدی مطرح بوده و باعث ایجاد نارضایتی شدید ساکنان شده است. آسیب‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این آسیب‌ها در الگوهای جدید ساخت‌وساز در کانون اسکان زیبامحمد از منظر معماری در جدول ۲ ارائه شده است.

می‌شوند که کم‌ترین میزان اشرافیت نسبت به یکدیگر را داشته باشند و درعین حال، استقرار آن‌ها به‌گونه‌ای است که همگی به فضای نگهداری دام‌ها مشرف باشند. به‌این ترتیب، امنیت دام افزایش یافته و امکان نفوذ به محل استقرار دام توسط سارقان، کاهش می‌یابد (حیدری، ۱۳۹۹: ۸۲).

همان‌گونه که تشریح گردید رعایت حریم‌ها ریشه در اعتقادات مذهبی و فرهنگ غنی عشایر دارد. در سکونتگاه‌های عشایر کوچ رو، حریم‌ها به‌خوبی رعایت شده و این سکونتگاه‌ها به‌گونه‌ای ساخته شده‌اند؛ که حریم‌های مشخص برای حضور و فعالیت افراد خانواده مانند پدر، مادر و فرزندان و در مرتبه بعدی

جدول ۲- الف. شناسایی آسیب‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این آسیب‌ها در الگوهای جدید ساخت‌وساز در کانون اسکان زیبامحمد از منظر معماری

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آسیب‌های کانون اسکان زیبامحمد از منظر معماری	آسیب‌هایی که از منظر معماری الگوهای جدید ساخت‌وساز در کانون اسکان زیبامحمد را تهدید می‌کنند
<p>عرصه بندی و سازمان‌دهی نامناسب فضاها عدم رعایت سلسله‌مراتب فضاها متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه عشایری عدم رعایت ابعاد و تناسب فضاها متناسب با نیازها و خصوصیات فرهنگی و اجتماعی زندگی جامعه عشایری عدم انعطاف‌پذیری فضاها عدم توجه به خودبستگی که از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه عشایری است عدم توجه به استفاده از مصالح مناسب و متناسب با روحیات جامعه عشایری عدم امکان توسعه واحدها (با توجه به فرهنگ عشایر منطقه معمولاً پس از ازدواج هم‌خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرزندان حتی پس از ازدواج هم در یکی از اتاق‌های همان واحد در کنار سایر اعضای خانواده سکونت داشته باشند) عدم توجه به ارتباط قوی عشایر با عناصر چهارگانه طبیعت (آب، باد، خاک و آتش) و جایگاه ویژه آن‌ها در همه شئون زندگی عشایر. برخلاف اینکه نفوذپذیری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سکونتگاه‌های عشایر پیش از اسکان به شمار می‌رود، اما متأسفانه در طراحی خانه‌ها و بافت این سکونتگاه، به این مسئله مهم توجهی نشده است. عدم توجه به قرارگاه‌های رفتاری که زندگی عشایر بر مبنای آن‌ها شکل گرفته است. عدم توجه به رعایت حریم‌هایی که در سطوح مختلف فردی و اجتماعی مدنظر عشایر است.</p>	<p>آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضایی و کالبدی</p>
<p>فقدان پاسخگویی فضاها از جنبه عملکردی و کارکردی برای پاسخگویی به‌نظام فعالیت و شغلی ساکنین به‌ویژه در خصوص دام‌پروری، بر پا کردن دار قالی، تولید قالی و قالیچه و سایر صنایع دستی. عدم تطابق نیازهای ساکنان با مسکن‌های ساخته شده بخش عمده فعالیت‌ها در جامعه عشایری بر عهده زنان می‌باشد و زنان در زندگی عشایر نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند که متأسفانه در سکونتگاه‌های فعلی به این نقش و جایگاه ویژه توجهی نشده و موجب کاهش نقش زنان شده است. عدم توجه به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی در شکل‌گیری نظام عملکردی سکونتگاه. عدم ترکیب و انسجام فرم فضاها و ساختمان‌ها با فعالیت‌های جاری در آن‌ها چشم‌انداز کلی مجموعه آشفته است و این آشفتنگی، در حال افزایش است. خط آسمان مجموعه بسیار آشفته است. شبهه راه‌ها با ساختار فضایی منطقه ناهماهنگ است.</p>	<p>آسیب‌ها و ناهنجاری‌های عملکردی</p>
<p>عدم توجه به ارتباط قوی عشایر با عناصر چهارگانه طبیعت (آب، باد، خاک و آتش): (خورشید) و جایگاه ویژه آن‌ها در همه شئون زندگی عشایر، در طراحی منظر عدم وجود نشانه‌های قابل‌شناسایی در بافت فراموش شدن نقش اصلی زمین و جایگاه آن در زندگی عشایر پیش از اسکان عدم توجه به نفوذپذیری بصری، انتظام و تناسب بصری استفاده از نماهای بسیار ساده و غیر مرتبط با پیشینه زندگی عشایر عدم توجه به سیمای بام، رنگ و مصالح، در طراحی مجموعه.</p>	<p>آسیب‌ها و ناهنجاری‌های سیمای و منظر</p>

جدول ۲- ب. شناسایی آسیب‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این آسیب‌ها در الگوهای جدید ساخت‌وساز در کانون اسکان زیبامحمد از منظر معماری

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آسیب‌های کانون اسکان زیبامحمد از منظر معماری	آسیب‌هایی که از منظر معماری الگوهای جدید ساخت‌وساز در کانون اسکان زیبامحمد را تهدید می‌کنند
بی‌توجهی به بصر محوری بی‌توجهی تجربه حرکتی و کالبدی بی‌توجهی به حس بویایی بی‌توجهی به حس چشایی بی‌توجهی به حس بساوبی بی‌توجهی به حس شنوایی	آسیب‌های ناشی از عدم توجه به غنای حسی
عدم توجه به عناصری که خصوصیات آن‌ها ثابت نیستند و قابل تغییر می‌باشند. عدم توجه به عناصری که خصوصیات آن‌ها نیمه ثابت هستند و می‌توانند تغییر نمایند. عدم توجه به عناصری که خصوصیات آن‌ها ثابت هستند. این عناصر به‌ندرت و یا بسیار آهسته تغییر می‌نمایند و یا اصلاً تغییرپذیر نیستند.	آسیب‌های ناشی از بی‌توجهی به عناصر هویت‌بخش
عدم توجه به مؤلفه‌های ده‌گانه زیر: کسب احترام و تأیید اجتماعی احساس تعلق اجتماعی روابط اجتماعی خویشاوندی تأمین نیاز فیزیولوژیکی استحکام و ثبات خانواده خلوت‌گزینی احساس تعلق به خانواده خصوصیات فضایی روابط اجتماعی مکان‌مندی تعاملات اجتماعی رضایتمندی فردی	آسیب‌های اجتماعی
عدم توجه به مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ عشایر مانند: جهان‌بینی، ارزش‌ها، روش زندگی فردی و جمعی ایده‌آل‌ها، تصویرها، اسکیماها معانی و مفاهیم، هنجارها استانداردها، قوانین، انتظارات	آسیب‌های فرهنگی
پائین آمدن کیفیت ساخت‌وساز (هزینه ساخت مسکن نسبت به چادر زیاد است و فشار اقتصادی بر خانوار وارد می‌کند) پایین آمدن تهیه و فروش گیاهان کوهی و دارویی که قبلاً عشایر در مسیر کوچ تهیه می‌کردند و به فروش می‌رساندند پایین آمدن تولید دام، پایین آمدن تولیدات دامی، پایین آمدن تولید صنایع دستی	آسیب‌های اقتصادی
عدم توجه به عادت‌واره‌های ذهنی عدم توجه به عادت‌واره‌های رفتاری	آسیب‌های ناشی از عدم توجه به عادت‌واره‌های ساکنان
عدم سازگاری «محیط ساخته شده» با «روش زندگی ساکنان» در حوزه فردی عدم سازگاری «محیط ساخته شده» با «روش زندگی ساکنان» در حوزه خانوادگی عدم سازگاری «محیط ساخته شده» با «روش زندگی ساکنان» در حوزه همسایگی عدم سازگاری «محیط ساخته شده» با «روش زندگی ساکنان» در حوزه خویشاوندی عدم سازگاری «محیط ساخته شده» با «روش زندگی ساکنان» در حوزه عمومی	آسیب‌های ناشی از عدم سازگاری «محیط ساخته شده» با «روش زندگی ساکنان»
عدم احساس در خانه بودن در حوزه فرهنگی عدم احساس در خانه بودن در حوزه فردی-اجتماعی عدم احساس در خانه بودن در حوزه کالبدی-فضایی عدم احساس در خانه بودن در حوزه عملکردی - کارکردی عدم احساس در خانه بودن در حوزه ذهنی- ادراکی عدم احساس در خانه بودن در حوزه حسی - معنایی عدم توجه به حریم فردی عدم توجه به حریم اجتماعی	آسیب ناشی از عدم احساس در خانه بودن آسیب ناشی از عدم توجه به حریم‌ها در خانه‌های ساخته شده برای ساکنان

هستند که عمدتاً در غرب ایران و استان لرستان سکونت دارند و از سالیان دور تاکنون زندگی کوچ‌نشین و قبیله‌ای در آن رواج

بحث و نتیجه‌گیری
عشایر لرستان یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین قوم‌های ایرانی

داشته است. این شیوه زندگی، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی پیچیده‌ای را در بردارد که بر الگوی سکونت آن‌ها، نظام استقرار فضایی سکونتگاه‌هایشان و نیز الگوهای رفتاری جاری در آن‌ها تأثیرگذار است. ویژگی‌های منحصر به فرد بوم‌گرایانه سکونتگاه‌های عشایر به گونه‌ای است که باعث بروز کیفیات مناسب در محیط زندگی عشایر می‌شوند؛ اما به خاطر محرومیت و شرایط سخت زندگی جامعه عشایر، سامان‌دهی و اسکان آن‌ها همواره مورد توجه بوده است. امروزه عوامل متعددی روند زندگی کوچ‌نشینی عشایر لرستان را به چالش کشانده است. فروپاشی ساختار و نظام‌های ایلی در دهه‌های اخیر که خود ناشی از علل اجتماعی و سیاسی متعددی بوده، تخریب و کاهش روزافزون مراتع در سطح کشور چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت، عدم برخورداری کودکان و جوانان عشایر از مزایای آموزش و پرورش مناسب به دلیل ماهیت زندگی متحرک، فقدان برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی، تجاوز جامعه شهرنشین و روستائین به ایل‌ها و مسیرهای کوچ سنتی عشایر و در تنگنا قرار گرفتن آن‌ها به هنگام کوچ، آسیب‌پذیری شیوه زندگی کوچ‌نشینی در مقابل حوادث و بلایای طبیعی، مقرون به صرفه نبودن شیوه دامداری به روش سنتی و مبتنی بر کوچ، عدم علاقه جوانان عشایر به ادامه زندگی کوچ‌نشینی از اهم عواملی است که امروزه جهت رفع کاستی‌های فوق‌گزینه اسکان را به جامعه عشایری این استان پیشنهاد نموده‌اند و اقدامات و برنامه‌های گسترده‌ای در راستای اسکان عشایر اجرا شده است. یکی از این برنامه‌ها، برنامه اسکان عشایر در منطقه زیبا محمد است که در سال ۱۳۸۶ طراحی و اجرا شد؛ اما متأسفانه این کانون از جنبه‌های مختلف، به‌ویژه از منظر معماری تحت تأثیر چالش‌ها و آسیب‌های فراوانی قرار دارد و میزان رضایت ساکنین این کانون اسکان از سکونت در این مکان پایین است. اگر این سکونتگاه عشایری آن‌چنان‌که شایسته است مورد توجه قرار نگیرد، به‌مرور زمان نقش و جایگاه خود را از دست داده و حتی ممکن است خالی از جمعیت شود. نگاه سطحی به اجزای معماری خانه‌های ساخته شده در این کانون، غفلت از توجه به ریشه‌های پنهان معماری خانه‌های آن‌ها را به دنبال آورده که در نهایت عدم توانایی در تحلیل و درک درست از کالبد را در پی داشته است؛ بنابراین در این پژوهش ابتدا ویژگی‌های شناخته شده زندگی عشایر و بازتاب‌های آن در سکونتگاه عشایر و الگوهای مسکن عشایر پیش از اسکان و پس از اسکان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و آسیب‌هایی که این سکونتگاه را تهدید می‌کند شناسایی شدند. نتایج پژوهش نشان داد که الگوهای جدید ساخت در روستای برآمده از اسکان زیبا محمد، با آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضایی و کالبدی، عملکردی، سیما و منظر، عدم توجه به غنای حسی، بی‌توجهی به عناصر هویت‌بخش، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روحی و روانی، عدم توجه

به عادت‌واره‌های ساکنان، عدم سازگاری «محیط ساخته شده» با «روش زندگی ساکنان»، عدم احساس در خانه بودن، عدم انطباق قابلیت‌معنا و عدم توجه به حریم‌های فردی و اجتماعی همراه بوده است. در نهایت می‌توان گفت این الگوهای جدید به دلیل گسستگی با الگوهای بومی سکونتگاه‌های عشایر مورد مطالعه پیش از اسکان - که فاقد ناهنجاری فوق‌بوده‌اند- کارایی لازم را ندارند. در پایان نیز پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی در راستای کمک به طراحان سکونتگاه‌های عشایر اسکان‌یافته و برای افزایش رضایت‌مندی ساکنان این سکونتگاه‌ها، راهکارهای رفع ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی که این سکونتگاه‌ها را تهدید می‌کند به‌دقت مورد بررسی قرار گیرند.

راهکارها

با توجه به یافته‌های تحقیق، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شوند:

- ✓ عرصه‌بندی و سازمان‌دهی مناسب فضاها، متناسب با الگوهای بومی سکونت برای رفع آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضایی و کالبدی.
- ✓ پاسخگویی فضاها از جنبه عملکردی و کارکردی برای پاسخگویی به نظام فعالیت و شغلی ساکنین به‌ویژه در خصوص دام‌پروری، بر پا کردن دار قالی، تولید قالی و قالیچه و سایر صنایع دستی، متناسب با الگوهای بومی سکونت، برای رفع آسیب‌ها و ناهنجاری‌های عملکردی این سکونتگاه‌ها.
- ✓ استفاده از نمادهای بوم‌گرایانه و مرتبط با پیشینه زندگی عشایر، برای رفع آسیب‌ها و ناهنجاری‌های سیما و منظر.
- ✓ توجه به غنای حسی و استفاده از عناصر هویت‌بخش بوم‌مدار برای رفع آسیب‌های ناشی از عدم سازگاری محیط ساخته شده و ساکنان.
- ✓ توجه به مؤلفه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان‌یافته متناسب با الگوهای بومی سکونت آن‌ها و برای برطرف نمودن آسیب‌های ایجاد شده از منظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، در این سکونتگاه‌ها.
- ✓ تطابق سکونتگاه‌ها با الگوهای ذهنی و رفتاری و سبک زندگی عشایر اسکان‌یافته متناسب با الگوهای بومی سکونت آن‌ها و برای برطرف نمودن آسیب‌های ناشی عدم حس در خانه بودن ساکنان کانون‌های اسکان عشایری.
- ✓ برطرف نمودن آسیب‌های ناشی از عدم انطباق قابلیت‌معنا در خانه‌های ساخته شده برای ساکنان مبتنی بر الگوهای بومی سکونت، از طریق عناصر ثابت، عناصر نیمه ثابت و عناصر غیر ثابت.
- ✓ جلوگیری از ایجاد آسیب‌های روحی و روانی برای ساکنین از طریق توجه به عادت‌واره‌های ذهنی و رفتاری عشایر اسکان‌یافته، مبتنی بر الگوهای بومی سکونت.

سپاسگزاری

خود را از مسئولان و کارکنان محترم سازمان امور عشایر استان لرستان که ما را در انجام و ارتقای کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

این مقاله مستخرج از رساله این‌جانب تحت عنوان «بررسی کارآمدی الگوی کالبدی سکونتگاه‌های عشایری از منظر نظام عادت‌واره‌ای عشایر (مطالعه موردی: کانون اسکان زییامحمد)» می‌باشد. بدین‌وسیله نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه

References

- Afshari, M. (2015). *Adaptation of environment to the human way of life (case study of Qashqai tribe)*. Ph.D. thesis, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Afshari, M. (2019). Spatial and temporal distances of privacy in nomadic settlements. *Scientific Journal of Restoration and Architecture of Iran*, 2(17), 39-52. (In Persian)
- Afshari, M. (2020) (a). Social changes in the household and the role of meaning in adapting to the residential environment (case study: the effect of meanings on changes in nomadic housing). *Scientific Research Journal of Architecture and Urban Development*, 27, 59-78. (In Persian)
- Afshari, M. (2020) (b). Explanation of the components and questionnaire of the meanings of residence and order of living spaces. *Scientific Research Journal of Iranian Architectural Studies*, 17, 251-237. (In Persian)
- Afshari, M., Pour Dehimi, Sh., & Saleh Sadekpour, B. (2015). Compatibility of the environment with the way of human life (a theoretical framework, a case study). *Scientific Research Journal of Rural Housing and Environment*, 152, 3-16. (In Persian)
- Afzali, K. (1999). *Development planning of the nomadic community, Kerman nomads (Soleimani - Alidadi clan)*. Master's thesis. Tehran: Shahid Beheshti University (In Persian)
- Ahmadi, A. (2000). *Investigating the ways of organizing the nomads of Mako city while preserving their historical authenticity*. Master's thesis. Tehran: Faculty of Social Sciences, University of Tehran. (In Persian)
- Ahmadi, A., & Yousefi, Gh. (2008). Prevalence of depression and factors related to it in Bakhtiari nomads of Iran in 2006. *Scientific journal of Gorgan University of Medical Sciences*, 2 (26), 65. (In Persian)
- Amanollahi Baharvand., S. (2009). *Nomadism in Iran: a study on nomads and tribes*. The seventh edition. Tehran, Aghah Publications. (In Persian)
- Amini, A., & Rouzfarakh, S. (2018). Evaluating the consequences of nomads community settlement of boyerahmad County in settling sites of Roum Plain. *Iranian Agricultural Extension and Education Journal*, 14(1), 185-197. (In Persian)
- Augé, M. (2008). *Non-Places-Introduction to an Anthropology of Supermodernity*, translated by Manouchehr Farhoumand, Tehran: Urban planning and processing company. (In Persian)
- Azadi, Y., Gerkani, S. A., & Azadi, Z. (2016). Assessment of nomadic settlement plans with emphasis on the attitude of the settlers. *Housings and Rural Environment*, 156, 67-79. (In prsian).
- Azadi, Y., Gerkani, S. A., & Azadi, Z. (2016). Evaluation of nomadic settlement plans with an emphasis on the attitude of the settlers (case example: Talkhab site - Ilam province). *Research Journal of Rural Housing and Environment*, 156, 67-80. (In Persian)
- Azkiya, M. (2017). *Sociology of rural development and underdevelopment in Iran*. Tehran: Information Publications. (In Persian)
- Bachelard, G. (1998). *The Flame of a Candle*, translated by Jalal Sattari, Tehran: Tos. (In Persian)
- Bagheri, Kh. (2003). *Determining the effects of settlement on the social and economic status of the nomads settled in the nomadic village of Kolejaz Shushtar*, master's thesis. Isfahan University of Technology: Faculty of Agriculture and Natural Resources. (In Persian)
- Barimani, F., Fazelnia, G., & Saiyadi, Z. (2018). The influence of nomad's habitation on the participation of nomad's women in family income (case studt: Sistani nomad women). *Human Geography Research*, 49(4), 791-805.
- Bazhian, Gh. (2007). A review of pasture management of the nomadic community in the past and present: changes, challenges, and solutions. *Pasture and desert research of Iran*, 4 (29), 538-524. (In Persian)

- Bentley, I., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S., & Smith, G. (2007). *Responsive environments: a manual for designers*, translated by Mustafa Behzadfar, third edition, Tehran, University of Science and Technology Press. (In Persian)
- Bourdieu P. (1996), *Distinction a Social Critique of Judgement of Taste*, Tanslated By Richard Nice, Harvard University Publication.
- Calhoun, C., Gerteis, J., Moody, J., Pfaff, S., & Virk, Indermohan. (Ed.). (2007), *Contemporary Sociological Theory* (2nd ed.). Blackwell Publishing.
- Cobb, Dariel. (2014). *Architectonics for evolving pastoralists: nomadic architecture and modern global culture*. ARCC Conference Repository.
- D.H.V consulting engineers of Holland (1992). *Guidelines for planning rural centers*. Tehran: Village and Development Publications, Rural Issues Research Center, 41. (In Persian)
- De Planhol, X. (2004). Nomads and Shepherds, translated and summarized by Yazdi Popeli. Tehran: Samit. (In Persian)
- Dede, S. (2011). *From nomadism to sedentary life in central anatolia: the case of rigvan tribe (1830-1932)*. A Master's Thesis. Department of History Ghsan Dogramacı Bilkent University Ankara.
- Dehghani, A. (2019). Analysis of the factors affecting the settlement satisfaction of nomadic villagers with the quality of the residential environment (case study: Bekan settlement areas). *Scientific Research Journal of Human Settlements Planning Studies*, 14(1), 163-176. (In Persian)
- Dehghani, A., Seidai, SI., & Shafaqi, S. (2012). Measuring and examining the quality of life indicators in nomadic settlement centers, a case study; Nomadic settlement centers of Fars and Isfahan provinces. *Scientific Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 27, 77-96. (In Persian)
- Ebrahimi Asl, H., Mohammadzadeh, S., & Jabbarpour, S. (2015). *Economic, social and environmental consequences of nomadic settlement plan in shiblo and Zanganeh plains of Marku and Poldasht counties*. Master Thesis, Islamic Azad University, Marku Branch. (in persin).
- Ebrahimpour, M. (1999). Analysis of the development situation of the country's nomadic regions, PNQRT, Nomadic Affairs Organization of Iran. 2, 58-32. (In Persian)
- Ehlers, E. (2001). *Shepherd's migration and the environment: the Bakhtiaris of Zagros*, translated by A. Saeedie. Iran: city, village, nomads (collected papers), Tehran: Monshi Publications. (In Persian)
- Fallah-Tabar, N. (2016). Organizing the capacities and capabilities of nomads in line with sustainable security (with emphasis on the nomads of Sistan and Baluchestan). *Quarterly Journal of Geography (Regional Planing)*, 6(2), 101-111. (In Persian)
- Fan, Mingming., Li, Wenjun., Zhang, Chengcheng., & Li, Lanhai. (2014). Impacts of Nomad Sedentarization on Social and Ecological Systems at Multiple Scales in Xinjiang Uyghur Autonomous Region, Chin. *AMBIO* volume 43, pages 673-686.
- Fasihi, H. (2020). Evaluation of the quality of the urban living environment in Baghershahr, Tehran. *Urban Ecology Research*, 11(1), 77-90. (In Persian)
- General Administration of Lorestan Nomadic Affairs (2009). *A study of the integration and synthesis of Bardekar's domain*. Khorramabad, Lorestan Agriculture and Natural Resources Research Center. (In Persian)
- Ghanbari, Y., & Rasti, M. (2002). Investigating the role of the economic and social status of nomads in pasture management. *Pasture and desert research of Iran*, 1 (9), 30. (In Persian)
- Ghorbanirig, R., & Rafifar, J. (2007). Cultural changes from migration to settlement: a case study of Talash nomads during three generations. *Social Sciences*, No. 31, 57. (In Persian)
- Golik, Katarzyna, (2021). The Sedentarization and Gentrification in Post-Nomadic Districts. *Prace Etnograficzne*, Tom 49 Numer 1-2, 37-62.
- Gomes, A. (2007). *Modernity and Malaysia (Settling the Menraq Forest Nomads)*. Edition 1st Edition. Location London: Imprint Routledge. Pages 216.
- Habibian, H. (2003). *Investigation and comparison of two types of spontaneous and guided nomadic settlements and their impact on pasture exploitation methods*. Ph.D. Thesis. Tehran: Faculty of Natural Resources, University of Tehran. (In Persian)
- Hajati, M. (1992). The combined option of herd management and settlement is the best strategy for the development of the nomads' life, *The Quarterly Journal of Revolution Reserves*, 19. (In Persian)

- Hayati, D. (2006). An analysis of the consequences and strategies selected for the settlement of nomads in Iran with an attitude towards the experience of Bacon village in Fars province. *Journal of Iranian Social Studies*, 1(1), 67-99. (In Persian)
- Heidari, AA. (2020). Analysis of the way of life of nomads and its effect on their settlement system along the migration route and summer and winter camps, a case study: Nomads of Boyer Ahmad. *Scientific Quarterly Journal of Housing and Rural Environment*, 169, 73-88. (In Persian)
- Heidari, AA., Motallebi, Q., & Ansari Rad, Gh. (2018). Recognizing the concept of territory in three physical, behavioral, and semantic domains in Koch architecture (case study: Boyer Ahmad tribes). *Quarterly Journal of Housing and Rural Environment*, 161, 107-124. (In Persian)
- Heidegger, M. (1971). *Building dwelling thinking*. Poetry, Language, Thought [online]. 154.
- Hirofumi, Sugimoto. Kawagishi, Umekazu. Kitano, Koki. Gonchigbat, Ishjams. Hirota, Naoyuki. (2007). Living Environment of Nomads Residing on the Outskirts of Ulaanbaatar, Mongolia—Dispositional Characteristics from the Perspective of a Comparison of Nomads and People Living in Ger Fixed Residences in the City —, *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 6(2), 283-290.
- Hojjat, I., Mozaffar, F., & Saadati, SP. (2017). Explaining the influential characteristics of the house in the formation of human attachment to it (presenting a causal process model). *Journal of Fine Arts (Architecture and Urban Planning)*, 22(2), 51-62. (In Persian)
- Hollis, E. (2019). *How to make a place our home*. translated by Saqaraei, second edition, Tehran, still published. (In Persian)
- Hossein Abri, SH. (1994). A review of the Kohrang region concerning the settlement of nomads, *Geographical Research Quarterly*, 62-75. (In Persian)
- Iran Statistics Center (2020). *Summary report of the results of the basic registration of the country's nomadic population*. (In Persian)
- Jacobs, J. (2013). *The Death and Life of Great American Cities*, translated by Hamidreza Parsi and Arzoo Platoni. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Jahangiri, J., & Moradi, G. (2009). Spatial and demographic analysis of the nomadic system of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province and providing appropriate plans and models for the sustainable development of natural resources and the organization of nomadic places. *Land Management*, 1(1), 89-120. (In Persian)
- Jalili Telchghah, F., & Taleb, M. (2011). *Assessing the social effects of nomadic settlement plan (case study: nomadic settlement plan of Kalaghneshtin village in Gachsaran County*, Master's Thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. (In Persian)
- Jiao, X., Pouliot, M. and Walelign, S.Z. (2017). *Livelihood strategies and dynamics in rural Cambodia*. *World Development*, 97, 266-278.
- Kafilzadeh, F., Esmailzadeh, A., & Seidan, M. (2002). Production economy of livestock sector of settled and nomadic nomads, a case study: Kurd tribe. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 38, 201-223. (In Persian)
- Karakal, H. (2021). *Sword Vs. Mountain: Folk Songs' Depiction of Ottoman Settlement Policies Towards Nomadic Tribes in Cukurova*. A Master's Thesis. Department of History Ihsan Dogramaci Bilkent University Ankara.
- Karimi, Kh. (1996). *The future strategy of the traveling Kurdish nomads of North Khorasan*. master's thesis. Mashhad: Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Karimi, K., Karami Dehkordi, E. (2015). Rangeland use and necessity of diversification of rural households' Livelihoods, a case study in the Mahneshan County. *Rural Research*, 6(2), 343-368. (In Persian)
- Kestin van den Scott, L. J. (2015). *Geographies of Knowledge and Identity: Everyday Lived Experience and Features of the Home, Community, and Land, in a Post-Nomadic Arctic Hamlet*. A Dissertation for the degree Doctor of Philosophy Field of Sociology. Northwestern University.

- Khakpour, M., & Eshghi Sanaati, H. (2014). Investigating the effect of social and cultural factors on the physical structure of Gilan villages. *Quarterly Scientific Research Journal of Housing and Village Environment*, 148, 3-20. (In Persian)
- Khogali, M.M. (2001). *Nomads and Their Sedentarization in Sudan*. Khartum: University of Khartum, Department of Geography.
- Khoobfekr Barabadi, H. (1996). *Experiences of strategies related to the organization of scattered villages and its inhibiting factors in Sistan and Baluchistan province*. a collection of articles from the seminar on the organization of scattered villages. Hamadan: Islamic Revolution Housing Foundation Publications. (In Persian)
- Kohler, F. (2016). *The Sedentarization of Dwelling (Continuity and Change in the Habitat of Fulbe Wodaabe Pastoralists and Urban Migrants in Niger)*. Published by Max Planck Institute for Social Anthropology, Halle (Saale). Germany
- Larsen, K. (2003). *Sedentarization of nomadic people: the case of the Hawawir in Um Jawasir Northern Sudan*. Dry Lands Coordination Group, Report No. 24.
- Lefebvre, H. (2015). *The production of space*. translated by Mahmoud Abdollahzadeh, Tehran: Tehran City Study and Planning Center. (In Persian)
- Lorestan Islamic Revolution Housing Foundation (2006). *Bardekar nomad settlement plan*.
- Mahdavi, M., Rezaei, P., & Khani, F. (2009). Measuring the attitude of settled nomads towards settlement in Chaharmahal and Bakhtiari province. *Village and Development Quarterly*, 3, 41-62. (In Persian)
- Nasiri, C., Ahmadi, S.A., Yavari, Gh., Amirkhani, A.H., & Mahdian, A. (2012). A model of strategic plan for organizing the nomads of Tehran province. *Village and Development*, 15(1), 43-63. (In Persian)
- Nikkholgh, A., & Nouri, A. (2007). *sociology of Iranian nomads*. Tehran: Chapakhsh Publishing House. (In Persian)
- Nourbakhsh, H. (1996). *Economic analysis of nomadic life in migration and settlement using productivity indicators*. Master's thesis. Tehran: Faculty of Industrial Engineering, Iran University of Science and Technology. (In Persian)
- Nowrouzi, A., & Mahmoudian, F. (2016). Comparative study of economic and social Characteristics of settled and uninhabited nomads (case study: koohrang County). *Spatial Planning*, 5(19), 17-38. (In Persian)
- Pakzad, J. (2009). *Guide to the design of urban spaces in Iran*, Tehran: Shahidi Publishing House, Ministry of Housing and Urban Development. (In Persian)
- Partoo Sevom consulting engineers (2012). *Identification and revival of nomadic tribes of Lorestan province*. General Administration of Nomadic Affairs of Lorestan Province. (In Persian)
- Pourdeyhimi, Sh., & Nurtaqani, A.M. (2013). Identity and housing; Investigating the mechanism of interaction between residents' identity and the residential environment. *Housing and Village Environment*, 141, 3-18. (In Persian)
- R.Adano, W., & Wttsenburg, K. (2022). *Once Nomads Settle Assessing the Process, Motives, and Welfare Changes of Settlements on Mount Marsabit*. Part of the Studies in Human Ecology and Adaptation book.
- Rahaei, M., Rashidi, A., & Taherian, Gh. (2012). Consequences of informal settlement of nomads in the cities of Semnan province. *Quarterly journal of Semnan Police Science*, 2(6), 87-100. (In Persian)
- Rahimi, A. (2017). Economic consequences of nomadic settlement in the development centers of West Azerbaijan province. *Nomadic Quarterly of Revolutionary Reserves*, 58, 75-94. (In Persian)
- Rahimi, A., & Moshiri, S.R. (2009). Investigating and analyzing the effects and results of nomadic settlement (case study: West Azerbaijan province). *Geographical Quarterly of the Land*, 6(21), 1-13. (In Persian)
- Ranjbaran, M., Mehdi Nejad, J., Karimi, B., & Jamiri, M. (2020). Investigating the Components of Indigenous Landscape Indicators in Environmental Identification in Warm and Wet Climates (Case Study: Port of Kong). *Geography (Regional Planning)*, 10(4), 623-637. (In Persian)
- Rapoport, A. (2005). *Culture, Architecture, and Design*. Lock Science publishing company, Inc.

- Rapoport, A. (2005). *The meaning of the built environment: A Nonverbal Communication Approach*. translated by Farah Habib, Tehran, Information Processing Company. (In Persian)
- Rezvani, M.R., & Derikvand, M. (2007). Investigating and evaluating of nomadic organization and settlement centers (effects and implications): a case study of Kamari Settlement Center, Azna County. *Bimonthly Journal of Jihad*, 279, 133-151. (In Persian)
- Riahi, V., & Karimi, K. (2013). Economic consequences of settlement plans on nomadic communities (case study of Milad Town in Shibli Plain of West Azerbaijan province). *Nomadic Quarterly of Revolutionary Reserves*, 58, 95-112. (In Persian)
- Riahi, V., Ahmadi, R., & Azmi, A. (2013a). Investigating the role of housing projects in nomadic economic and social development, case study: Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Housing Centers. *Journal of Applied Research in Geographical Science*, 13(28), 95-112. (In Persian)
- Riahi, v., Namdari, F., Pashazadeh, A., & Jesarati, A. (2013b). Investigating the effect of organization and settlement of nomads with emphasis on security dimension (case study: Kalekoo in Saveh). *Journal of Police Geography*, 1(3), 99-128. (In Persian)
- Saeedi, A., Taleb, M., & Safinejad, J. (1994). *Scattered villages organization plan, the optimal establishment of scattered villages in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad provinces, Bahmei and Landeh districts*, volumes one to four. Tehran: Studies and Planning Office of Islamic Revolution Housing Foundation. (In Persian)
- Salehinia, M., & Niromand Shishvan, M. (2018). Clarifying the role of sensory landscape components based on the senses in the quality of the environmental sensory perception of the passage of the new Tabriz citadel. *Scientific Research Quarterly of Iranian Islamic City Studies*, Year 8, 31, 19-31. (In Persian)
- Sartipipour, M., Rostami, M., Shahabi Shahmiri, M., & Amirsadat, M. (2018). Analysis and evaluation of rural housing characteristics based on sampling in 2013. *Scientific Research Journal of Rural Housing and Environment*, 163, 3-18. (In Persian)
- Shafaei, M. (2018). Rural housing design model (case study: Henjan village). *Research Journal of Rural Housing and Environment*, 163, 45-62. (In Persian)
- shahraki, M.R., & Abedi Sarvestani, A. (2012). *Nomads, migration and settlement: an analysis of selections for development of nomadic societies*. National Conference on Rural Development, Rasht, Guilan University, 14-15 September. (In Persian)
- shakour, A., & Rezaei, M.R. (2010). Investigating and comparing the economic patterns of production in Qashqaei tribe of Firooz Abad and measuring their tendency towards change in livelihood prevalence. *New Attitudes in Human Geography*, 5, 123-135. (In Persian)
- Shakuri, R., & Khodadadi, E. (2014). Schematic of settlement of nomads, a case study of Qashqai nomads of Semirom. *Bagh-e Nazar Scientific Research Journal*, 28, 3-14. (In Persian)
- Shamai, A., & NazaninPuri, Sh. (2022). Analysis of quality of life indicators in urban areas of Sanandaj. *Urban Ecology Research*, 13(2), 35-52. (In Persian)
- Shateri, M. & Sadeghi, H. (2012). Analyzing the socio-economic effects of spontaneous nomads (a case study of nomads in Dehdez district of Izeh city of Khuzestan province). *Journal of Spatial Planing*, 2(2), 105-128. (In Persian)
- Shateri, M., & Hajipour, M. (2011). Socio-economic effects of settlement projects on nomadic communities (case study of Nazdasht Sarbisheh town in South Khorasan province). *New Attitudes in Human Geography*, 3(2): 17-29. (In Persian)
- Shaterian, M., Ganjipour, M., & Ashnui, A. (2011). Explaining the spatial consequences of the construction of nomadic settlements for peripheral villages, a case study of the central part of Kohrang city. *Rural and Development Quarterly*, 3, 133-150. (In Persian)
- So, Alvin Y. (2001). *Social change and development*. Translated by M. Habibi Mazaheri. Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications. (In Persian)
- Tasi, S. P. (2012), Place attachment and tourism marketing: Investigating international tourists in Singapore, *International Journal of Tourism Research*, 14(2), 139-152.
- Tavakkoli, J. (2005). *A review of theories and experiences in the field of settlement of nomads*. collection of articles of the National Conference of the Organization of Nomadic Society of Iran,

- Organization of Nomadic Affairs of Iran, Volume 1. First edition, Tehran, Naqsh-e Bayan Publications: 437-468. (In Persian)
- Tavakkoli, J., & Zia Tawana, MH. (2009). Spatial consequences of settlement of nomads in Chaharmahal and Bakhtiari province, *Rural and Development Quarterly*, 12(1), 53-86. (In Persian)
- Twaissi, S. A., Abuhaleh, B., Abudanah, F., & Al-Salameen, A. (2016). The Architectural Aspects of the Traditional Villages in Petra Region With Some Anthropological Notes. *Mediterranean Journal of Social Sciences*. Vol 7 No 4. MCSER Publishing, Rome-Italy
- Upton, C. (2010). *Living off the land: nature and nomadism in Mongolia*. Geoforum, 41, 865-887.
- Vassa, S. (2001). *Sedentarization of pastoral nomads*, Available on: <http://www.htm.nomads.vassa.net/saloni>.
- Vice President of Strategic Planning and Monitoring of Iran Statistics Center (2016). *Maps of the country's villages*. Statistical address 1503050002.
- Yousefi, J., Azkia, M., & Kaldi, A. (2016). Developing a conceptual model of integrating indigenous and modern Knowledge using Grounded Theory in reclamation, preservation, maintenance and operation of Natural resources with post-development approach (case study: Mamasani tribe of Fars PROVINCE). *Sociology Studies*, 10(34), 7-31. (In Persian)
- Zakeri, E., Ghorbani, M., Bozorghmehr, A., & Rabhani Nasab, H. (2017). Prioritizing the problems of implementing settlement plans for the nomads of North Khorasan based on the hierarchical analysis process. *Pasture and watershed journal*. 70(1), 111-123. (In Persian)
- Zanganeh, N., & Keshmiri, H. (2018). The role of the components of sensory richness in improving the environmental quality of urban space (case example: Zandieh complex of Shiraz). *Journal of Geography and Urban Space Development*, fifth year, 2, 181-200. (In Persian)
- Zargar, A., & Hatami Khanghahi, T. (2014). Factors affecting the design of rural housing. *Research Journal of Rural Housing and Environment*, 148, 3-18. (In Persian)
- Ziaieian, P., Salehpour, Sh., & Davardan, B. (2016). Analysis of service and development investment levels in the nomadic community of West Azerbaijan province. *Quarterly Journal of Space Economy and Rural Development*, 5(17), 71-84. (In Persian)
- ابراهیم‌پور، محسن (۱۳۷۸). تحلیل وضعیت توسعه‌ای مناطق عشایری کشور. *فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب*، سازمان امور عشایر ایران. ۲، ۵۸-۳۲.
- ابراهیمی اصل، حبیب؛ محمد زاده، شهرام و جبار پور، سکینه (۱۳۹۴). *پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی طرح اسکان عشایر در دشت شیپلو و زنگنه شهرستان‌های ماکو و پلدشت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماکو.
- احمدی، علی (۱۳۷۹). *بررسی راه‌های سامان‌دهی عشایر شهرستان ماکو با حفظ اصالت تاریخی آن‌ها*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- احمدی، علی و یوسفی، قدرت‌الله (۱۳۸۷). شیوع افسردگی و عوامل مرتبط با آن در عشایر ایل بختیاری ایران در سال ۱۳۸۵. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان*، ۱۰(۲)، ۶۵.
- اداره کل امور عشایر لرستان (۱۳۸۸). *مطالعه تلفیق و سنتز حوزه بردگر*. خرم‌آباد: مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی لرستان.
- آزادی، یونس؛ گرکانی، سید امیرحسین و آزادی، زیور (۱۳۹۵). ارزیابی طرح‌های اسکان عشایر با تأکید بر نگرش اسکان‌یافتگان (نمونه موردی: سایت تلخاب- استان ایلام). *نشریه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا*، ۱۵۶، ۶۷-۸۰.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- افشاری، محسن (۱۳۹۴). *سازگاری محیط با روش زندگی انسان (مطالعه موردی ایل قشقایی)*. رساله دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
- افشاری، محسن (۱۳۹۸). *فواصل فضائی و زمانی حریم در سکونتگاه‌های عشایری*. *نشریه علمی پژوهشی مرمت و معماری ایران*، ۲(۱۷)، ۵۲-۳۹.
- افشاری، محسن (۱۳۹۹)(الف). *تغییرات اجتماعی خانوار و نقش معنی در تطبیق محیط مسکونی (مورد پژوهی: اثرگذاری معانی بر تغییرات مسکن عشایری)*. *نشریه علمی پژوهشی نامه معماری و شهرسازی*، ۲۷، ۷۸-۵۹.

- افشاری، محسن (۱۳۹۹) (ب). تبیین مؤلفه‌ها و پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهاى زندگی. نشریه علمی پژوهشی مطالعات معماری ایران، ۱۷، ۲۳۷-۲۵۱.
- افشاری، محسن؛ پور دیهیمی، شهرام و صالح صدق پور، بهرام (۱۳۹۴). سازگاری محیط با روش زندگی انسان (یک چارچوب نظری، یک مطالعه موردی). نشریه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، ۱۵۲، ۳-۱۶.
- افضلی، کوروش (۱۳۷۸). برنامه‌ریزی توسعه جامعه عشایر، عشایر کرمان (ایل سلیمانی - طایفه علی‌دای). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- امان‌اللهی بهاروند سکندر (۱۳۸۸). کوچ‌نشینی در ایران: پژوهشی درباره عشایر و ایلات. تهران: انتشارات آگاه.
- اهلرس، اکارت (۱۳۸۰). کوچ روی شسانی و محیط: بختیاری‌های زاگرس. مجموعه مقالات ایران شهر روستا عشایر، تهران: انتشارات منشی.
- اوژه، مارک (۱۳۸۷). نامکان‌ها: درآمدی بر انسان‌شناسی سوپر مدرنیته. ترجمه منوچهر فرومند، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- بازیان، غلامرضا (۱۳۸۶). مروری بر مدیریت مراتع جامعه عشایری در گذشته و حال: تغییرات، چالش‌ها و راهکارها. نشریه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۱۴ (۴)، ۵۲۴-۵۳۸.
- باشلار، گاستون (۱۳۷۷). شعله شمع. ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر توس.
- باقری، خدایار (۱۳۸۲). تعیین آثار اسکان بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی عشایر اسکان‌یافته در روستای عشایری کوله جاز شوشتر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- بنتلی، ای‌ین؛ الکک، آلن؛ مورین، پال؛ مک‌گلین، سو و اسمیت، گراهام (۱۳۸۶). محیط‌های پاسخ‌ده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزاد فر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی لرستان (۱۳۸۵). طرح اسکان عشایر بردکَر.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸). راهنمای طراحی فضاهاى شهری در ایران. تهران: نشر شهیدی.
- پور دیهیمی، شهرام و نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۹۲). هویت و مسکن: بررسی سازوکار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی. مسکن و محیط روستا، ۱۴۱، ۳-۱۸.
- توکلی، جعفر (۱۳۸۴). مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه اسکان عشایر، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، جلد اول، تهران: انتشارات نقش بیان: ۴۳۷-۴۶۸.
- توکلی، جعفر و ضیا توانا، محمدحسن (۱۳۸۸). پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲ (۱)، ۵۳-۸۶.
- جلیلی تل چگاه، فهاد (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیرات اجتماعی طرح اسکان عشایر (نمونه موردی طرح اسکان عشایر کلاغ نشین شهرستان گچساران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- جهانگیری، جهانگیر و مرادی، گل مراد (۱۳۸۸). تحلیل مکانی و جمعیتی نظام عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد و ارائه طرح‌ها و الگوهای مناسب برای توسعه پایدار منابع طبیعی و ساماندهی مکان‌های عشایری. فصلنامه آمایش سرزمین، ۱۱ (۱)، ۸۹-۱۲۰.
- جیکویز، جین (۱۳۹۲). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.
- حاجتی، مهدی (۱۳۷۱). گزینه ترکیبی رمه گردانی و اسکان بهترین استراتژی توسعه زندگی عشایر. فصلنامه ذخائر انقلاب، ۱۹.
- حبیبیان، حمید (۱۳۸۲). بررسی و مقایسه دو نوع اسکان عشایر خودجوش و هدایت شده و تأثیر آن‌ها بر شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع. پایان‌نامه دکتری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
- حجت، عیسی؛ مظفر، فرهنگ و سعادت، سیده پوران دخت (۱۳۹۶). تبیین صفات تأثیرگذار خانه در شکل‌گیری دل‌بستگی انسان به آن (ارائه یک مدل فرآیند علی). نشریه هنرهای زیبا (معماری و شهرسازی)، ۲۲ (۲)، ۵۱-۶۲.
- حسینی ابری، سید حسن (۱۳۷۳). مروری بر منطقه کوه‌رنگ در رابطه با اسکان عشایر. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، ۶۲-۷۵.
- حیاتی، داریوش (۱۳۸۵). تحلیلی بر پیامدها و راهکارهای گزیده شده اسکان عشایر در ایران با نگرشی بر تجربه دشت بکان فارس. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۱ (۱)، ۶۷-۹۹.
- حیدری، علی‌اکبر (۱۳۹۹). تحلیل شیوه زندگی عشایر و تأثیر آن در نظام سکونتگاه آن‌ها در طول مسیر کوچ و قرارگاه‌های تابستانه و

- زمستانه مطالعه موردی: عشایر بویبر احمد. فصلنامه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، ۱۶۹، ۷۳-۸۸.
- حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم و انصاری راد، غزال (۱۳۹۷). بازشناسی مفهوم قلمرو در سه حوزه کالبدی، رفتاری و معناشناختی در معماری کوچ (مطالعه موردی: عشایر بویبر احمد). فصلنامه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، ۱۶۱، ۱۰۷-۱۲۴.
- خاکپور، مزگان و عشقی صنعتی، حسام (۱۳۹۳). بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان. فصلنامه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، ۱۴۸، ۳-۲۰.
- خوب فکر برآبادی، حبیب اله (۱۳۷۵). تجارب راهبردهای مربوط به ساماندهی روستاهای پراکنده و عوامل بازدارنده آن در استان سیستان و بلوچستان، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، همدان: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- دهقانی، امین (۱۳۹۸). تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت‌مندی اسکان روستاییان عشایری از کیفیت محیط سکونت (مطالعه موردی: مناطق اسکان دشت بکان). نشریه علمی پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۱۴(۱)، ۱۶۳-۱۷۶.
- دهقانی، امین؛ صیدائی، سید اسکندر و شفق، سیروس (۱۳۹۱). سنجش و بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در کانون‌های اسکان عشایری، مطالعه موردی؛ کانون‌های اسکان عشایری استان‌های فارس و اصفهان. نشریه علمی پژوهشی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۷، ۷۷-۹۶.
- دوپلانول، گزایوه (۱۳۸۳). کوچ‌نشینان و شبانان، ترجمه و تلخیص پاپلی یزدی، تهران: انتشارات سمت.
- ذاکری، عماد؛ قربانی، مهدی؛ بزرگمهر، علی و ربانی نسب، حجت اله (۱۳۹۶). اولویت‌بندی مشکلات اجرای طرح‌های اسکان عشایر خراسان شمالی بر اساس فرآیند تحلیل سلسله مراتبی. نشریه مرتع و آبخیزداری، ۱۷۰(۱)، ۱۱۱-۱۲۳.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیب، تهران: شرکت پردازش اطلاعات.
- رحیمی، احمد (۱۳۹۶). پیامدهای اقتصادی اسکان عشایر در مراکز توسعه استان آذربایجان غربی. فصلنامه عشایر ذخیره‌های انقلاب، ۵۸، ۷۵-۹۴.
- رحیمی، احمد و مشیری، سید رحیم (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل آثار و نتایج اسکان عشایر (نمونه موردی: استان آذربایجان غربی). فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۶(۱)، ۱-۱۳.
- رضوانی، محمدرضا و دریکوند، مسلم (۱۳۸۶). بررسی و ارزیابی کانون‌های ساماندهی و اسکان عشایر (آثار و پیامدها): مطالعه موردی کانون کمری شهرستان ازنا. دوماهنامه جهاد، ۲۷۹، ۱۳۳-۱۵۱.
- رنجبران، محیا؛ مهدی نژاد، جمال‌الدین؛ کریمی، باقر و جمهیری، محمود (۱۳۹۹). بررسی مؤلفه‌های شاخص منظر بوم‌گرا در هویت بخشی به محیط در اقلیم گرم و مرطوب (مورد مطالعه: بندر کنگ). فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۰(۴)، ۶۳۳-۶۳۷.
- رهایبی، مجید؛ رشیدی، علی و طاهریان، غلامعلی (۱۳۹۱). پیامدهای ناشی از اسکان غیررسمی عشایر در شهرهای استان سمنان. فصلنامه دانش انتظامی استان سمنان، ۲(۶)، ۸۷-۱۰۰.
- روز فراخ، ثریا و امینی، عباس (۱۳۹۷). ارزیابی پیامدهای اسکان جامعه عشایری شهرستان بویبر احمد در کانون‌های دشت روم. نشریه علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۱۴(۱)، ۱۸۵-۱۹۷.
- ریاحی، وحید و کریمی، خدیجه (۱۳۹۶). پیامدهای اقتصادی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی شهرک میلاد در دشت شیبلوی استان آذربایجان غربی). فصلنامه عشایر ذخایر انقلاب، ۵۸: ۹۵-۱۱۲.
- ریاحی، وحید؛ احمدی، راشد و عزمی، آئیژ (۱۳۹۲). بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر، مطالعه موردی: کانون‌های اسکان استان کهگیلویه و بویراحمد. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۱۳(۲۸)، ۹۵-۱۱۲.
- ریاحی، وحید؛ نامداری، فریوش؛ پاشا زاده، اصغر و جسارتی، عسگر (۱۳۹۲). واکاو تأثیر ساماندهی و اسکان عشایر با تأکید بر بعد امنیتی (مطالعه موردی: کله کوه در ساوه). پژوهشنامه جغرافیایی انتظامی، ۳: ۹۹-۱۲۸.
- زرگر، اکبر؛ حاتمی خانقاهی، توحید (۱۳۹۳). وجوه مؤثر بر طراحی مسکن روستایی. مسکن و محیط روستا، ۱۴۸، ۳-۱۸.
- زنگنه، نجمه و کشمیری، هادی (۱۳۹۷). نقش مؤلفه‌های غنای حسی در ارتقا کیفیت محیطی فضای شهری (نمونه موردی: مجموعه زندیه شیراز). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۱۵(۲)، ۱۸۱-۲۰۰.
- سرتیپی‌پور، محسن؛ رستمی، محمدرضا؛ شهابی شه‌میری، مجتبی و امیرسادات، میثم (۱۳۹۷). تحلیل و ارزیابی ویژگی‌های مسکن روستایی بر اساس نمونه‌گیری سال ۱۳۹۲. نشریه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، ۱۶۳، ۳-۱۸.
- سعیدی، عباس؛ طالب، مهدی و صفی نژاد، جواد (۱۳۷۳). طرح ساماندهی روستاهای پراکنده استقرار بهینه روستاهای پراکنده استان

- کهنگیلو و بویراحمد، بخش‌های بهمنی و لنده، جلد اول تا چهارم. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. سو، آوین (۱۳۸۰). *تغییر اجتماعی و توسعه*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شاطری، مفید و جلی پور، محمد (۱۳۹۰). اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی شهرک ناز دشت سریشه در استان خراسان جنوبی). *نشریه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)*، ۳(۲)، ۱۷-۲۹.
- شاطری، مفید و صادقی، حجت اله (۱۳۹۱). واکاوی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان خودجوش عشایر (مطالعه موردی: عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه استان خوزستان). *نشریه برنامه‌ریزی فضایی*، ۲(۲)، ۱۰۵-۱۲۸.
- شاطریان، محسن؛ گنجی‌پور، محمود و اشنویی، امیر (۱۳۹۰). تبیین پیامدهای فضایی احداث شهرک‌های عشایری برای روستاهای پیرامونی، مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کوهرنگ. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۳، ۱۳۳-۱۵۰.
- شفایی، مینو (۱۳۹۷). الگوی طراحی مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستای هتجن). *نشریه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا*، ۱۶۳، ۴۵-۶۲.
- شکور، علی و رضایی، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و سنجش و گرایش آنان به تغییر شیوه معیشت. *نشریه جغرافیای انسانی*، ۲(۲)، ۱۲۳-۱۳۳.
- شکوری، رضا و خدادادی، الهام (۱۳۹۳). طرح‌واره سکونت عشایر نمونه موردی عشایر قشقایی سمیرم. *نشریه علمی پژوهشی باغ نظر*، ۳(۲۸)، ۱۱۱.
- شماعی، علی و نازنین‌پوری، شایسته (۱۴۰۱). تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق شهری سنج. *نشریه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱۳(۲)، ۳۵-۵۲.
- شهرکی، محمدرضا و عابدی سروستانی، احمد (۱۳۹۱). *عشایر، کوچ و اسکان: تحلیلی بر گزیدارهای توسعه جوامع عشایری*. همایش ملی توسعه روستایی، رشت: دانشگاه گیلان.
- صالحی‌نیا، مجید و نیرومند شیشوان، مهدیه (۱۳۹۷). تبیین نقش مؤلفه‌های منظر حسی مبتنی بر حواس در کیفیت ادراک حسی محیطی گذر ارگ جدید تبریز. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۸(۳۱)، ۱۹-۳۱.
- ضیایان، پرویز؛ صالح پور، شمس و دوردان، بابا (۱۳۹۵). تحلیل سطوح سرمایه‌گذاری خدماتی و عمرانی در جامعه عشایری استان آذربایجان غربی. *نشریه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۳(۳)، ۷۱-۸۴.
- فضیحی، حبیب‌اله (۱۳۹۹). ارزیابی کیفیت محیط زندگی شهری در باقرشهر تهران. *نشریه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱۱(۱)، ۷۷-۹۰.
- فلاح تبار، نصر اله (۱۳۹۵). ساماندهی قابلیت‌ها و توانمندی‌های عشایر در راستای امنیت پایدار (با تأکید بر عشایر سیستان و بلوچستان). *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۶(۲)، ۱۰۱-۱۱۱.
- قربانی ریگ، رضا و رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۶). تغییرات فرهنگی از کوچ به اسکان: نمونه موردی عشایر تالش در طول سه نسل. *نشریه علوم اجتماعی*، ۳۱، ۵۷.
- قنبری، یوسف و راستی، محسن (۱۳۸۱). بررسی نقش وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر در مدیریت مرتع. *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۱۹(۱)، ۳۰.
- کریمی، خلیل (۱۳۷۵). *استراتژی آینده عشایر کرد کوچنده شمال خراسان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- کریمی، کبرا و کرمی دهکردی، اسماعیل (۱۳۹۴). بهره‌برداری از مراتع و لزوم متنوع‌سازی معیشت خانوارهای روستایی مطالعه موردی: شهرستان ماهنشان. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، ۶(۲)، ۳۴۳-۳۶۸.
- کفیل‌زاده، فرخ؛ اسماعیلی زاده، علی و سیدان، مهدی (۱۳۸۱). اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان‌یافته، مطالعه موردی: ایل کرد. *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۳۸، ۲۰۱-۲۲۳.
- لوفور، هانری (۱۳۹۵). *ترجمه فضا*، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: مرکز مطالعه و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). *گزارش خلاصه نتایج ثبت پایه جمعیت عشایر کوچنده کشور*.
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *نقشه‌های دهستان‌های کشور*. آدرس آماری ۱۵۰۳۰۵۰۰۰۲.
- مهدوی، مسعود؛ رضایی، پژمان و خانی، فضیله (۱۳۸۸). سنجش نگرش عشایر اسکان‌یافته نسبت به اسکان در استان چهارمحال و

بختیاری. فصلنامه روستا و توسعه، ۳، ۴۱-۶۲.

مهندسین مشاور D.H.V هلند (۱۳۷۱). رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی. تهران: انتشارات روستا و توسعه (مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی).

مهندسین مشاور پرتو خط سوم (۱۳۹۱). شناسایی و احیای ایله‌های عشایری استان لرستان. اداره کل امور عشایری استان لرستان. نصیری، سیروس؛ احمدی، سید علی‌اکبر؛ یآوری، غلامرضا؛ امیرخانی، امیرحسین و مهدیان، احمد (۱۳۹۱). الگویی برای برنامه راهبردی سامان‌دهی عشایر استان تهران، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۵(۱)، ۴۳-۶۳.

نوربخش، حسن (۱۳۷۵)، تحلیل اقتصادی زندگی عشایر در کوچ روی و اسکان با استفاده از شاخص‌های بهره‌وری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران.

نوروزی، اصغر، محمودیان، فرزاد (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان‌یافته و اسکان نیافته (مطالعه موردی: شهرستان کوه‌رنگ). برنامه‌ریزی فضایی، ۴، ۳۸-۱۷.

نیک خلق، علی‌اکبر و نوری، عسکری (۱۳۸۶). زمینه جامعه‌شناسی عشایر ایران. تهران: انتشارات چاپخش.

هالیس، ادوارد. (۱۳۹۸)، چگونه جایی را خانه خود کنیم، تهران، نشر هنوز.

یوسفی، جلال؛ ازکیا، مصطفی و کلدی، علیرضا (۱۳۹۶). تدوین مدل مفهومی حاصل از تلفیق دانش بومی و نوین با استفاده از نظریه بنیانی در احیاء، حفظ، نگهداری و بهره‌برداری از منابع طبیعی با رویکرد پساتوسعه (مورد مطالعه: ایل ممسنی استان فارس). مجله مطالعات جامعه‌شناسی، ۹(۳۴)، ۷-۳۱.

